نسیم جنوب
www.nasimjonoob.com
سال بیستم- شماره ۸۳۹ یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

روحانی، شیخ دیپلمات و اصلاح طلبی اعتدال گرا

صفحه ۲

استاندار بوشهر:

طرح امید اجتماعی استان بوشهر به عنوان تجربه موفق، در کشور اجرا می‌شود

صفحه ۸



سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

تجدید آگهی ارزیابی کیفی تامین کنندگان

شماره مجوز: ۱۳۹۶,۵۸۸

موضوع مناقصه : خرید کندانسور هوایی با فین آلومینیومی

شماره مناقصه : ۹۴/۱۶

نوع مناقصه	مناقصه عمومی یک مرحله ای
نام و نشانی مناقصه گزار	سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس – استان بوشهر، عسلویه ، ساختمان همایش های خلیج فارس
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه یا وجه نقد به مبلغ ۲۱۵/۰۰۰/۰۰ ریال (که قابل تمدید به مدت سه ماه با درخواست مناقصه گزار بوده و پس از تایید در مرحله ارزیابی کیفی بایستی همزمان با تحویل پیشنهادها ارایه گردد.)
شرایط شرکت در مناقصه	دارا بودن توانایی تامین تجهیزات مطابق اسناد مناقصه
نحوه دریافت استعلام ارزیابی کیفی تامین کنندگان	۱– نشانی اینترنتی WWW.PSEEZ.IR ۲– HTTP://IETS.MPORG.IR ۳– دبیر خانه کمیسیون مناقصات
آخرین مهلت تحویل مدارک	ساعت ۰۰ : ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۳/۳
محل تحویل مدارک	استان بوشهر، عسلویه ، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ، ساختمان همایش های خلیج فارس ، طبقه اول ، دبیرخانه کمیسیون مناقصات ، تلفن ۰۷۷۳۱۳۷۲۱۵۲
تلفن کمیسیون مناقصات	۴– ۰۷۷۳۱۳۷۲۱۵۰ نمابر : ۰۷۷۳۱۳۷۲۱۵۵

روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز فجر جم

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم به نشانی استان بوشهر- شهرستان جم-پالایش گاز فجر جم- امور کالا- کدپستی ۷۵۵٦۱۵٤۸٦٤

۲- موضوع مناقصه: وفق جدول ذیل به صورت آگهی فراخوان ارزیابی کیفی دومرحله ای

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ (به ریال)	تضمین شرکت در مناقصه: نوع تضمین	نوع مناقصه از لحاظ: فراخوان- مراحل بررسی
۱	۹٤٤۱۳۳۱	خرید قطعات پمپ استرلینگ	٤۰۰/۰۰۰/۰۰۰	وفق آئین نامه تضمین معاملات دولتی	ارزیابی کیفی-دومرحله ای

۳- میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق بر اساس آئین نامه تضمین معاملات دولتی

٤- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: اداره مرکزی شرکت پالایش گاز فجر جم با مراجعه به سایت شرکت و دریافت فرم استعلام ارزیابی کیفی تأمین کنندگان کالا (تکمیل فرم مذکور الزامی می باشد). زمان دریافت و ارسال اسناد حداکثر ۱۰ روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم. مهلت ارائه پیشنهادات و بازگشایی آنها بانضمام اسناد مناقصه اعلام می گردد.

مناقصه گران محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی این شرکت به نشانی WWW.FAJRJAM.IR یا به آدرس استان بوشهر- شهرستان جم- شرکت پالایش گاز فجر جم- امور کالا (کدپستی ۷۵۵۱۵٦۱۵٤۸٦٤) مراجعه یا با شماره تلفن ۰۷۷-۳۱٦۸۲۱۰۸ تماس حاصل نمایند. ضمناً فراخوان مناقصه مذکور در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir و پایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

«روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم»

نسیم جنوب
انتخابات
۲
شماره ۸۳۹ یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

روحانی، شیخ دیپلمات و اصلاح طلبی اعتدال گرا

دکتر عبدالرحیم مهرور



سالها قبل از این که مسئولیت خطیر ریاست جمهوری به عهده بگیرد، شناختی از افکارش داشتم.
افکارش نمادی از هویتش بود چه در جبهه وقتی که مرحوم هاشمی را همراهی می کرد و چه در پشت جبهه زمانی که در شورای امنیت ملی کشور بود.
بخاطر این که از اصابت ترکش تیرهای شورای نگهبان در امان باشد کمتر آفتابی می شد.
اصولاً عقبه روحانی عوامفریبی نیست. افکاری روشن، فراجناحی و به دور از تنش های سیاسی دارد. لبخندش نشانه ای از مرامی است که از خاتمی به ارث برده چهره ای بشاش و با صلابت که اکنون می رود تا بار دیگر جناح اقتدارگرا را برای نوبتی دیگر به زانو درآورد. مردی که مثل هاشمی، خاتمی و دیگر هم گرایش های خود به دنبال تغییر اعتدال گرایانه است.
بیشترین اتهام هایی که در مورد رفتارش از طرف اقتدارگرایان به ایشان وارد شده، لیبرال، حامی غرب، روشنفکر و بریده از جامعه روحانیت می باشد.
جناح راست اصول گرا اکنون با حربه ساختارشکن فساد اداری و شعار انبوه فقر و گرسنگی می رود تا فتنه و دسیسه ننگین دیگری به نام خود و به کام روحانی به ثبت برساند و برای اینکه بتوانند ضرب المثل "دیگی که برای ما نمی جوشد می خواهیم سر سگ در آن بجوشد" را ارتقا دهد می خواهد برای



رسیدن به اهدافش این گونه روحانی را گوشه نشین و منزوی کند. آیا موفق می شود؟
هرگز، زیرا با هوشیاری مردمان این مرزوبوم و فضاهای مجازی، این تیر با بازگشتی به حلقوم خودشان برخواهد گشت.
حال هر چند که دولت روحانی صد در صد هم مطلوب نباشد اما برای آزادی و امنیت، آرامش و پیشرفت در جهان به کوری چشم کاسبان تحریم برای اینکه آسمان ایران یک دوره چهار ساله دیگر روشن و آفتابی بماند به مرد لبخندها رأی می دهیم که ما را از خرافه پرستی و جهالت از هاله نوری که اکنون رئیسی و قالیباف سردمداران آن هستند، دور نماید.

اصول گرایان در هر انتخاباتی با یک اسم جعلی خود را نشان می دهند چون بارها تجربه های شکست را چشیده اند.
یک روز به نام آبادگران و روزی دیگر به نام تخریبگران (امروز)، یک روز به نام جبهه پایداری و روزی دیگر به نام جبهه بی ثباتی، یک روز به نام جبهه متحد پایداری و روزی دیگر به نام جبهه متحد مردمی و ...
اصولاً شگرد آنها این است که در دسته بندی ها جا عوض می کنند. گرچه اصول گرا هستند اما به هیچ معیار و اصولی پایبند نیستند. جالب اینجاست با وجود این که تعدادشان در کشور در اقلیت است با کاندیداهای حداکثری می آیند.
و با یک کلمه تکرار می کنم خاتمی و هاشمی خلع سلاح می شوند.
این قوم همان همرزمان دیروز احمدی نژاد هستند که وقتی تاریخ مصرفش تمام شد به او منحرف گفتند.
بیشترین اختلاس ها در این جناح بوده اما بیشترین زندانیان سیاسی از آن جناح است.
بیشترین پارتی ها، قدرتها و تبعیض ها متعلق به این جناح است اما بیشترین آس و پاس ها مربوط به آن جناح است. بیشترین فتنه ها از همین جناح سرچشمه می گیرد اما جناح رقیب را فتنه گر می گویند.
بیشترین نا امنی ها از جمله حمله به سفارتخانه ها، حمله به توریست ها و کنسرت ها از این جناح است اما بعد از رسوایی شعار کی بود کی بود من نبودم می دهند.
بیشترین بگیر و ببندها از این جناح است اما بیشترین کتک خوردن ها از آن جناح است.

بیشترین جرم اصول گرایان مالی است اما بیشترین جرم اصلاح طلبان سیاسی است.
بیشترین بی بصیرتی ها، آنان پایه گذارش بودند اما اصلاح طلبان را بی بصیرت خواندند.
بیشترین تهمت های مطبوعاتی از سوی اصولگراها بوده از جمله کیهان اما بیشترین تعطیلی فله ای روزنامه ها از اصلاح طلبان آن هم توسط قاضی همچون مرتضوی، بیشترین انگشت را احمدی نژاد در چشم یک به یک آنها زد، اما خاتمی را ممنوع التصویر کردند.

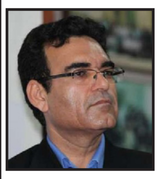


روحانی در همدان:
اگر در انتخابات شرکت نکنیم در خیابان ها دیوار خواهند کشید ۲۹ اردیبهشت دروغ را از ایران ریشه کن کنیم.



حسن روحانی رئیس جمهور و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری گفت:
- اگر در انتخابات شرکت نکنیم در خیابان ها دیوار خواهند کشید
- شما اینها را نمی شناسید من اینها را می شناسم
- اینها در جلسه ای تصمیم گرفته بودند در خیابان دیوار بکشند/ اینها می خواستند خیابان ها را زنانه مردانه کنند
همانطور که در محل کارشان بخشنامه زنانه مردانه کردن ابلاغ کردند
ما در ۲۹ اردیبهشت پای صندوق های رای می رویم تا دوباره شرایط امنیتی به دانشگاه ها باز نگردد
- از شما می خواهم روز ۲۹ اردیبهشت هر نفر با ۱۱ نفر پای صندوق رای بیایند. برای اینکه ناامنی به کشور نیاید پای صندوق بیایید
- هربار که شعار دادید، اسرائیل ۳ میلیارد دلار اضافه از آمریکا برای تقویت قدرت نظامی شان گرفتند
- ما ۲۹ اردیبهشت پای صندوق می رویم تا بزرگانمان را به جامعه برگردانیم
- آیا میخواهید مظلومیت چهره هایی مانند مرحوم هاشمی که سالها مخدوش شد ادامه یابد؟
- ۲۹ اردیبهشت دروغ را از ایران ریشه کن کنیم.

فعال سیاسی مطرح کرد؛
نقش شبکه‌های مجازی در انتخابات



فعال سیاسی و استاد دانشگاه بوشهر با اشاره به نقش احزاب در انتخابات گفت: احزاب به خوبی در جامعه ما رشد نکرده‌اند و رسانه‌های اجتماعی هستند که در تحرک سیاسی نقش بسزایی دارند.
خسرو دهقانی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: در جوامع توسعه یافته از نظر سیاسی برای اینکه فضا را برای انتخابات آماده کنند همه فعالیت‌ها اعم از راه‌اندازی کمپین‌ها و تبلیغات انتخاباتی را احزاب برعهده دارند.
وی افزود: احزاب به‌عنوان چرخ دنده‌های دموکراسی و انتخابات که نماد اصلی دموکراسی در کشور است کاندیدا معرفی می‌کنند و بسیج سیاسی جامعه را برعهده دارند.
این فعال سیاسی و اجتماعی شهر بوشهر بیان کرد: متاسفانه در جامعه ما احزاب رشد نکرده‌اند و انتخابات ما حزبی برگزار نمی‌شود زیرا احزاب، یا کاندیدا معرفی نمی‌کنند و در صورت معرفی تضمینی برای ورود به رقابت وجود ندارد.
دهقانی بیان کرد: احزاب در ایران در قالب اجماع‌ها یا جناح‌های سیاسی به دو دسته اصول گرا و اصلاح‌طلب تقسیم شدند و اکنون در کاندیدای انتخابات هم مشاهده می‌کنید که سه نفر اصولگرا و سه نفر دیگر اصلاح‌طلب و یا نزدیک به دیدگاه اصلاح‌طلبی هستند.
وی تصریح کرد: اکنون احزاب و جناح‌ها کار بسیج سیاسی جامعه را انجام می‌دهند، اما به دلیل اینکه دفتر احزاب تنها در مرکز استان‌ها هستند، چتر پوششی آنها محدود و ساز و کار حزبی در روستاها وجود ندارد.
استاد دانشگاه‌های بوشهر گفت: پدیده جدیدی که در جامعه به وجود آمده پدید فراتکنولوژی و یا شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی هستند که در بسیج سیاسی نقش بسزایی دارند.
دهقانی با بیان اینکه اکنون بیش از ۵۰ درصد مردم ایران عضو شبکه‌های اجتماعی هستند، خاطر نشان کرد: ما در انتخابات گذشته دیدیم که با استفاده از این رسانه ها خصوصا جناحی که فاقد رسانه تصویری بود توانست به خوبی از این شبکه‌های اجتماعی در راستای بسیج سیاسی استفاده کند.
وی افزود: مناظره یکی دیگر از ابزارهای بسیج سیاسی جامعه است و در مراحل مختلف مناظره‌ها شاهد آن هستیم که شور انتخاباتی افزایش پیدا می کند.
دهقانی بیان کرد: اکنون احزاب غیرفعال فعالیت خود را مجدد آغاز کردند و در استان‌های مختلف جنب و جوش خوبی دارند اما با این وجود تا برگزاری انتخابات حزبی فرسنگ‌ها فاصله داریم.

گلچینی از دانش آموزان ممتاز پایه اول دبستان غیرانتفاعی دخترانه صبا
با تشکر از آموزگار محترم خانم عصمت پورک



دریا نجارخورسند	حوریا مقدم	پریا پولادی	آوا ارشاد	آسمان حاجیانی
زهرا غریبی	زهرا رفاهی	ریحانه صبوریان مطلق	رویا معتمدی	رومینا گل افشان
غزال غریبی	یسرا کردی مطلق	سارینا سلطانی	زهره کازرانی	زهرا نوربخش
فاطیما کرمی	فاطمه رهبانی	فاطمه حیدری نژاد	فاطمه باقری	غزل گتویی
نازنین زهرا عمویی	مریم روشن ضمیر	یسنا حیدری	مانا قهرمانی	فدک اختری
آرتینا عباسی	یاسمین وادی مطلق	هستی سعدآبادی	نرگس کیان پور	نازنین زهرا پورقیومی

اقتصادی کردن انتخابات میانبری برای رسیدن به پاستور

راهبرد وعده پرداخت نقدی به مردم در صورت پیروزی این روزها از زبان تعدادی از کاندیدای انتخاباتی شنیده می شود، وعده هایی که ممکن است جهت گیری رای شهروندان را به سمت و سوی اقتصادی کردن انتخابات پیش ببرد.
به گزارش گروه پژوهش و تحلیل خبری ایرنا ، هر چند که شیوه و راهبرد کاندیدای انتخاباتی برای جلب آراء مردم متفاوت است اما میزان بالای شمار رای جامعه روستایی و شهرهای کوچک موجب شده تا چند تن از کاندیدای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری با ترفند های هماهنگ و یکسان سعی کنند برنامه های خود را بر پایه تزریق پول به جامعه و وعده هایی که نوید دهنده آینده بهتر باشد قرار دهند.
تکرار این ترفند بدون توجه به عملی بودن یا نبودن این کار هر چند در نگاه اول برای برخی از اقشار کم درآمد جامعه می تواند امید به روزهای بهتری در آینده باشد، اما آسیب های ناشی از تزریق بی برنامه پول به بازار ممکن است از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای کشور آسیب هایی فراوانی داشته باشد.

هر چند که ممکن است پرداخت مبلغی به مردم در قالب یارانه یا کارانه برای کوتاه مدت موجب راضی نگه داشتن اقشار مختلف باتشد اما تجربه نشان داده است که برخی دولت ها برای جبران کاستی های این پرداختی ها هزینه بخش های مختلفی مانند حوزه درمان و بخش تولید را کم کرده اند. این امر موجب می شود تا در میان مدت و بلند مدت تولید تعطیل و سلامت جامعه نیز تحت تاثیر پرداختی های مختلف قرار گیرد.

۱- شاید زمانی که در تبلیغات نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری «مهدی کروبی» وعده پرداخت ۵۰ هزار تومان به هر شهروند ایرانی داد کسی فکر نمی کرد که در انتخابات های پس از آن پرداخت پول نقد به یکی از مهمترین ابزارهای تبلیغاتی تبدیل شود.
اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه ها در دولت دهم و وعده هایی که رییس این دولت در پایان چهار سال دوم دولت دهم داد موجب شد تا مردم همواره چشم به راه خبری در زمینه افزایش یارانه های نقدی باشند و امر موجب شد تا در سال ۹۳ بیش از ۹۷ درصد مردم برای دریافت یارانه نقدی دوباره ثبت نام کنند.
وعده افزایش یارانه نقدی و توجه به قشرهای پایین جامعه در چند سال گذشته به دستمایه ای برای منتقدان تبدیل شد تا جایی که برخی از کاندیدای انتخاباتی در چند ماه اخیر مبلغ یارانه های نقدی را تا ۲۵۰ هزارتومان افزایش داده اند. در شرایط کنونی وعده مدعیان کرسی ریاست جمهوری به یارانه های نقدی منتهی نمی شود بلکه آنان برای جلب نظر مردم ، واژه «کارانه» را نیز در تبلیغات انتخاباتی خود وارد کرده اند.
۲- پرداخت پول به مردم با عناوین مختلف آسیب های فراوانی برای اقتصاد جامعه دارد. تجربه قانون هدفمندی یارانه ها حکایت از آن دارد که با توجه به برخی از مشکلاتی که در بخش اقتصادی وجود دارد تامین مبلغ مورد نظر برای پرداختی به قشرهای جامعه در قالب های مختلف کار سختی است.
هر چند که ممکن است پرداخت مبلغی به مردم در قالب یارانه یا کارانه برای کوتاه مدت موجب راضی نگه داشتن اقشار مختلف باتشد اما تجربه نشان داده است که برخی دولت ها برای جبران کاستی های این پرداختی ها هزینه بخش های مختلفی مانند حوزه درمان و بخش تولید را کم کرده اند. این امر موجب می شود تا در میان مدت و بلند مدت تولید تعطیل و سلامت جامعه نیز تحت تاثیر پرداختی های مختلف قرار گیرد.
۳- تک محوری و توجه نکردن به نقش دیگر قوا از مهمترین کاستی های برنامه پرداختی کاندیدا به مردم است. این افراد بدون توجه به تجربه سخت پرداخت یارانه های نقدی و تورم بالای ۴۰ درصد سال های بعد از آن، همواره از تزریق نقدینگی به جامعه خبر می دهند.
کاندیدای انتخاباتی بدون توجه به نقش قوه مجریه در تصویب لایحه های دولت، سعی دارند القا کنند در صورت پیروزی به تنهایی و بدون هماهنگی دیگر قوا می توانند برنامه های خود را پیش ببرند.
۴- تاکید بیش از حد به پرداخت های نقدی تنها برای بخش اقتصادی نمی تواند آسیب زا باشد بلکه حوزه های سیاسی و اجتماعی نیز تحت تاثیر این شعارها قرار خواهند گرفت.
در حالی که در چند دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری عقلانیت سیاسی جای قبیله گرایی سیاسی یا طایفه ای را گرفته بود و جامعه در راه توسعه سیاسی با راهبرد«عقلانیت معطوف به هدف» گام بر می داشت شعار پرداخت های نقدی با استفاده از شرایط اقتصادی می تواند در مسیر توسعه سیاسی جامعه ناهمواری هایی ایجاد کند.
اقتصادی کردن رای و ایجاد شور انتخاباتی با استفاده از وعده های نقدی ممکن است در انتخابات پیش رو جنبه اقتصادی رای را بر جنبه فکری و سیاسی انتخابات غلبه کند.
۵- در بعد اجتماعی هر چند که نمی توان با قطعیت در باره شگرد رای آوری کاندیدای انتخاباتی سخن گفت اما وعده هایی که این روزها بر زبان کاندیدای انتخاباتی جاری می شود می تواند بسیاری از طرح های کارشناسی شده رقیبان را تحت تاثیر قرار دهد و مردم را از فکر کردن در زمینه دیگر برنامه ها باز دارد.
همچنین در این زمینه برخی معتقدند که وعده تزریق پول به جامعه بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نوعی خرید نسیه رای قشر های پایین جامعه است. در بعد دیگر کاندیدای انتخاباتی می خواهند با وعده پرداخت پول نقد به مردم، عدالت را در جامعه ایجاد کنند این در حالی است که برای رواج عدالت در جامعه پرداختی یکسان نمی تواند تعریف جالبی باشد بلکه باید نحوه پرداخت و توجه به قشرهای آسیب پذیر در اولویت قرار گیرد.
براساس آنچه گفته شد پرداخت های نقدی برای کاهش فاصله طبقات هرچند که می تواند امری پسندیده و در راستای کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی باشد اما وعده هایی که در شرایط کنونی جامعه از سوی کاندیدای انتخاباتی داده می شود با واقعیت های کنونی کشور همخوانی ندارد و بیشتر یک ابزار تبلیغاتی برای پیروزی بر رقیب است.
با فرض تحقق وعده پرداخت پول نقد به مردم، اگر این کار بدون برنامه و پشتوانه لازم باشد به یقین مشکلات پیش بینی نشده فراوانی در مسیر تحقق چنین وعده هایی قرار خواهد گرفت. تامین بودجه این پرداختی ها و تصویب قانون آن توسط یک مجلس همسو نخستین لازمه تحقق این وعده ها است که با شرایط کنونی برای اجرایی شدن این وعده ها حداقل به دو سال وقت و تامین اعتبار نیاز داریم.

به تدبیر فرزندان دانشگاهی خویش اعتماد کنید و به روحانی رای دهید



مؤسسان "مجمع صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه های کشور" با انتشار بیانیه ای مردم را به حضور در انتخابات و حمایت از دکتر حسن روحانی دعوت کردند.

بسم الله الرحمن الرحیم

اعضای مؤسس "مجمع صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه های کشور" در پیشگاه خداوند بزرگ و ملت سرافراز ایران با عنایت به رسالت حرفه ای خود و نیات والای انسانی برای صیانت از هویت ملی، تحکیم و تعالی آزادگی، استقلال و نظام جمهوری اسلامی ایران و در برهه سرنوشت ساز کنونی وظیفه اجتماعی خود می دانند با تاکید بر اهمیت شرکت همه اقشار جامعه در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، برای تحکیم وحدت ملی، پیشبرد مقاصد و اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران و پاسداری از خون شهدای عزیز کشورمان ضمن اعلام

حضور در انتخابات، از دانشگاهیان اعضاء هیات علمی ،کارکنان و دانشجویان دانشگاه های کشور برای شرکت در انتخابات، همگام با سایر اقشار مردم شریف و نجیب ایران دعوت بعمل می آورند.

به همین منظور، اعضای مؤسس حمایت صریح و قاطع خود را از آقای دکتر حسن روحانی برای ریاست جمهوری اعلام می دارد و از آحاد ملت ایران دعوت می کند با امید به توسعه روز افزون ارزش های فرهنگی، کرامت و شرافت انسانی و شهروندی، حاکمیت نگرش علمی و کارشناسی در تصمیمات ملی ، ضرورت اصلاح تدریجی نارسایی ها و جبران نابسامانی ها با برنامه ریزی های کلان اقتصادی و نیز تعامل سازنده با جامعه بین المللی برای پیشرفت همراه با عزت و سربلندی ایران عزیز به تدبیر فرزندان دانشگاهی خویش اعتماد کرده و حمایت خود را به اصحاب صدیق این مملکت با رای به جناب آقای دکتر حسن روحانی به عنوان دوازدهمین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران به اثبات برسانند.

دولت روحانی در قامت دولت توسعه گرا

رسول رستمی - کارشناس سیاسی

در اولین مواجه ایرانیان با تحولات مدرنیسم در دنیا، پیشرفت و توسعه یافتگی از پرکاربردترین مفاهیم در ادبیات سیاسی و اجتماعی ما بوده است. در حالی که کشورهای هم ردیف ما مانند کره جنوبی و کشورهای جنوب شرق آسیا راه و افق های خود را پیدا کرده اند ما هنوز در نزاع های فکری و سیاسی خود غوطه وریم. پس از گذشت ۱۵۰ سال از آغاز فرایند توسعه به اجماع نظر بر سر مفهوم و روشهای توسعه نرسیده ایم.

غیر از کشورهای غربی که شرایط تاریخی و اجتماعی آنها در قرن نوزدهم سبب فراهم شدن بسترهای مناسب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری برای رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی آنها شد، کشورهای جنوب شرق آسیا توانستند با زمینه های متفاوتی از غرب و با بهره گیری از مدل دولت توسعه گرا به موفقیت های چشم گیری در این زمینه برسند.

دولتهای توسعه گرا در قالب دولتهای برنامه ای - عقلانی صورتبندی می شود که سعی دارند توانمندی های لازم را برای حضور در عرصه رقابتهای اقتصاد بین الملل کسب کنند. یکی از ویژگی های ساختاری این دولت ها پرهیز از جدال های سیاسی بین نخبگان بر سر موضوعات اقتصادی است. این گونه از دولت ها در جستجوی ایجاد اجماع نظری و فراگیر نخبگان در سیاستهای اقتصادی هستند. در واقع نخستین اقدام ساختاری یک دولت توسعه گرا وجود یک توافق هژمونیک درباره الگوی توسعه است.

از دیگر شاخصه های دولت های توسعه گرا، ثبات داخلی، پذیرش در بازارهای اقتصادی و سیاسی بین المللی و ارتباط با اقتصادهای مسلط، قوه مجریه کارآمد، کاهش فساد و رشوه خواری، اداره کشور توسط نخبگان توسعه گرا و رعایت تقدم و تأخرها در فرایند توسعه است.

دولت یازدهم با برجسته سازی مفهوم اعتدال زمینه را برای شکل گیری دولتی فراگیر از همه طیف های فکری و سیاسی درون حاکمیت فراهم ساخت. این موضوع باعث شکل گیری اجماع گسترده ای از نخبگان سیاسی کشور در پیشبرد اهداف دولت گردیده است. امروزه شاهد حضور متکثر نخبگان از راست سنتی، راست مدرن، تکنوکراتها، اعتدال گراها و اصلاح طلبان در رده های مدیریتی کشور هستیم که بر اساس فاکتور کارآمدی حدود و ثغورهای توسعه را می دانند و بر سیاستهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقریبا مشترکی اتفاق نظر دارند. نمونه بارز آن همکاری اصولگرایان معتدل در مجلس و اجرای هنرمندانه دکتر ظریف به عنوان سیاستمداری از طیف راست مدرن و همرایی



نخبگان فکری و اجرایی اصلاح طلبان در پرونده هسته ای بود که به عنوان بیت الغزل اقدامات دولت تدبیر و امید با حمایت های رهبر معظم انقلاب به ثمر نشست.

ظالمانه ترین و گسترده ترین تحریم های بین المللی علیه ایران ضمن ایجاد جو ایران هراسی در دنیا، امکان کمترین مبادلات تجاری و بانکی را برای کشور غیر ممکن می کرد. انجام مذاکرات نفس گیر با قدرتهای اصلی نظام بین الملل بر مبنای اصول عزت، حکمت و مصلحت تحت راهبرد نرمش قهرمانانه، افق های تازه ای را برای تعامل اقتصادی و سیاسی ایران باز کرد. موفقیت دولت در احقاق حقوق هسته ای کشور در کنار پیگیری سیاست تنش زدایی در منطقه زمینه را برای حضور گسترده هیأتهای سرمایه گذاری خارجی فراهم نمود. دکتر ظریف بعد از به فرجام رسیدن برجام از برجام اقتصادی (برنامه اقدام جامع اقتصاد مقاومتی) در دستگاه دیپلماسی رونمایی کرد و فاز جدیدی را در دیپلماسی کشور تحت عنوان دیپلماسی اقتصادی شروع کرد. در این نوع دیپلماسی، دیپلماتها در اقتصادی به غایت جهانی شده زمینه را برای حرکت آزاد جریان سرمایه، کالا و خدمات بین المللی به کشور خود فراهم می سازند. بالا رفتن حجم سرمایه گذاری خارجی و تنوع ملیت شرکت های خارجی در بخشهای مختلف اقتصادی کشور از صنعت خودرو سازی گرفته تا صنایع نفت و گاز حکایت از کاهش ریسک سرمایه گذاری در کشور و بازگشت اقتصاد ایران به بازارهای سرمایه جهانی دارد.

دولت یازدهم در سیاست داخلی نیز رویکرد اعتدالی در پیش گرفته و با سرمایه اجتماعی گفتمان اصلاح طلبی ضمن تقویت جامعه مدنی و اهمیت به آزادی های سیاسی و مدنی شهروندان توسعه را فرایندی می داند که از حوزه های فرهنگی و اجتماعی به حوزه های اقتصادی و در نهایت به حوزه سیاسی کشیده می شود. دولت یازدهم با شناخت واقعی از ساختارها و منابع قدرت در کشور در حوزه سیاسی بیشتر نقش نرمالیزاسیون سیاسی در جامعه را برای خود قائل است.

در کنار ویژگی های اشاره شده حاکمیت طولانی یک حزب در کشور و استمرار سیاستهای توسعه محور است که می تواند از حرکات سینوسی در توسعه یک کشور جلوگیری کند. تجربه کشورهای امریکای لاتین، تایوان و کره جنوبی نشان می دهد که این کشورها برای رسیدن به دستاوردهای ملموس و گذار از وضعیت توسعه نیافتگی از لحاظ سیاسی حداقل برای دو دهه شرایط باثباتی را تجربه کرده اند.

بنابراین برای عبور یک کشور از یک وضعیت اقتصادی نابسامان به کشوری توسعه یافته حسب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی آن کشور راههای متنوع و متعددی وجود ندارد. تجربه کشورهای توسعه یافته به ما نشان می دهد که دولتهای توسعه گرا با ویژگی های مشخص و معینی می توانند در نقش تسهیل گر موجب افزایش شتاب توسعه کشورهای در حال رشد شوند. بدیعی است که نوید رشد ۲/۵ برابری اقتصاد یک کشور میان درآمدی مانند ایران (پایین تر از ۱۵ درصد کشورهای با درآمد بالا و بالاتر ۳۵ درصد از کشورهای با درآمد پایین) با گفتمان تنازع با دنیا و رویکردی آرمانگرایانه و تهاجمی در سیاست خارجی امکان پذیر نیست. بدون وجود اداره قوی برای ایجاد شفافیت اقتصادی و جلوگیری از حضور گسترده شرکتهای دولتی و نظامی نمی توان اقتصاد کشور را از چالش های عدیده امروزی رهایی بخشید. شفافیت اقتصادی نیاز به میزانی از آزادی های سیاسی و مدنی دارد که در آن رسانه ها و جامعه مدنی به عنوان دیدبان افکار عمومی مانع شکل گیری فساد اداری و مالی در بدنه اقتصاد نماید.

با توجه به کارنامه دولت یازدهم و مقایسه آن با ویژگی های دولت های توسعه گرای دمکراتیک استمرار آن در سالهای آینده می تواند رویای توسعه ایران را به واقعیت تبدیل نماید.

نامزدهای انتخاباتی از عوام‌فریبی بپرهیزند

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی گفت: روحانی با حضور در انتخابات و فعالیت‌هایش طی این دوره چهار ساله برای برگشت عقلانیت و اعتدال تلاش می کند.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایلنا، محسن هاشمی در نشست خبری بگفت: در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر هستیم سرنوشت کشور در این ماه مشخص می‌شود و از مردم می‌خواهیم بر اساس قرآن به جدیت در سرنوشت خود شرکت کنند.

فرزند آیت‌الله هاشمی گفت: نظام جمهوری اسلامی از طریق انتخابات می‌تواند نظراتی را اعمال کند و خوشبختانه کاندیدهایی که تایید صلاحت شده‌اند به نظر بخش مهمی از نظرات مردم ایران را می‌توانند پاسخ دهند.

او با اشاره به برنامه‌های روحانی گفت: روحانی با حضور در انتخابات و فعالیت‌هایش طی این دوره چهار ساله برای برگشت عقلانیت و اعتدال تلاش می کند.

در دولت نهم و دهم کم کم با تندروی‌هایی که اتفاق افتاد به عقب برگشتیم و تحریم‌ها موجب شد بسیاری مشکلات پدید آید و با توجه به اینکه برجام شکل گرفت اما هنوز نتوانستیم به وضعیت ۱۲ سال پیش دست پیدا کنیم.

وی با بیان اینکه اگر در دوران آیت الله هاشمی جنگ تمام شد و ایشان در ریاست جمهوری توانست وضع را عادی کند و صنعتگران و تولیدکنندگان انگیزه برای کار و تلاش پیدا کردند، افزود: اما در دولت نهم و دهم برگشت به عقب داشتیم و در بین مردم هم حالت دوقطبی ایجاد شد و فرهیختگانی بارها مورد توهین قرار گرفتند و در سال ۸۸ اوج دو قطبی و از بین رفتن اعتماد به جریان‌های سیاسی بود و اگر تلاش آیت الله هاشمی نبود بخش اعظمی از نیروهای انقلاب را از دست داده بودیم و تلاش‌های ایشان بود که موجب شد این نیروهای سیاسی در چهارچوب نظام به فعالیت سیاسی بپردازند.

شماره ۸۳۹ یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

آیا استراتژی «تحریم انتخابات» نتیجه بخش است؟

تحقیق انجام شده توسط مؤسسه بروکینگز در مورد کاراییِ تاکتیک «تحریم انتخابات» نشان می دهد تقریباً هیچ نمونه‌ای را نمی‌توان یافت که در کشوری، نیروهای مخالف جریان حاکم توانسته باشند با اتخاذ این روش –قهر با صندوق رأی با هدف مشروعیت‌زدایی از انتخابات– به اهداف‌شان برسند و همیشه بازندهٔ این بازی، همان گروهی بوده که دست به تحریم صندوق رأی زده است! ذیلا به برخی نمونه ها اشاره می شود:



مصر: در انتخابات اکتبر ۲۰۱۲ مخالفان اخوان‌المسلمین تصمیم به بایکوت گرفته و جلساتِ شورای دوّم قانون اساسی مصر را تحریم کردند؛ اسلام‌گراها بدونِ توجّه به عدم حضور مخالفان و احتمالاً خوشحال از آن، قانونِ اساسی را تدوین کرده و به تصویب رساندند و سرانجام به رفراندوم گذاشتند. **افغانستان:** در سال ۲۰۰۹ عبدالله‌عبدالله به عنوان نامزد مخالفان به همراه حامد کرزی به دور دوّمِ انتخاباتِ افغانستان راه یافت ولی در اعتراضِ به عملکرد نادرست دولت تقلب‌های انتخاباتی و نیز رفتار کمیسیون انتخاباتی از حضورِ در دور دوّم انصراف داد. عبدالله با تصمیم به تحریم به حاشیه رانده و تا انتخابات بعدی از صحنهٔ سیاسیِ افغانستان ناپدید شد.

آذربایجان: در انتخابات ۲۰۰۳ برای تعیین رئیس جمهور در جمهوری آذربایجان مخالفان الهام علی‌اف در اعتراض به رفتار دولت و بی‌قانونی‌های موجود به پای صندوق‌های رأی نرفتند؛ در نتیجه این تحریم علی‌اف با اکثریتِ مطلق برنده انتخابات شد.

تحلیل یکی دیگر از وعده های پوپولیستی قالیباف در حوزه اقتصاد:

وعده ایجاد پنج میلیون شغل، معجزه یا توهم

دکتر حجت پارسا–عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه خلیج فارس



آقای قالیباف در ابتدای ورود به ساختمان وزارت کشور برای ثبت نام اعلام کرد می خواهد اولاً درآمد کشور را دو و نیم برابر کرده و دوم، پنج میلیون شغل ایجاد نماید. در تحلیل قسمت اول آقای دکتر قدوسی اقتصاددان ایرانی مقیم امریکا با استفاده از قانون ساده ۷۲ که از مطالب ساده درس اقتصاد کلان مقطع کارشناسی است به واهی بودن این حرف پاسخ دادند و لذا از آن خواهم گذشت.

اما در خصوص وعده دوم لازم است با کمک یکی دیگر از اصول علم اقتصاد و محاسباتی ساده نشان دهم که وعده ایجاد پنج میلیون شغل از وعده اول بی اساس تر، ناممکن و فریبکارانه است. ارتور اوکان اقتصاددان دانشگاه Yale امریکا در یک مطالعه تجربی رابطه میان اشتغال و رشد اقتصادی را اینگونه به دست آورد که برای کاهش یک درصدی در نرخ بیکاری می بایست دو و نیم تا ۳ درصد رشد اقتصادی را افزایش داد، که نتیجه این مطالعه به قانون اوکان یا Okun’s Law شهرت یافت. بر اساس آمار وزارت کار و تعاون میزان بیکاران در کشور حدود سه و نیم میلیون نفر و بر اساس آمار مرکز پژوهش های مجلس ۵ میلیون نفر هستند. با لحاظ نرخ رسمی بیکاری حدود ۱۲درصد توسط مراکز رسمی انتشار داده های اقتصادی،، اگر ۳ و نیم میلیون را بر ۱۲درصد بیکاری تقسیم کنیم، جمعیت فعال جویای کار حدود سی میلیون نفر به دست خواهد آمد.

اگر همان آمار خوشبینانه سه و نیم میلیون نفر بیکار را در نظر بگیریم و آقای قالیباف بخواهد بیش از آن یعنی پنج میلیون شغل ایجاد کند اتفاقی که خواهد افتاد این است که یا علاوه بر آن سه و اندی میلیون نفر بخشی از جمعیت غیرفعال را هم به کار خواهد گرفت (نرخ بیکاری طبیعی حدود ۴ درصد در اقتصاد را هم در نظر داشته باشیم) و یا مابقی فرصت های شغلی را فی سبیل الله در اختیار مهاجران کشورهای همسایه قرار دهد. لذا بر اساس قانون اوکان برای تحقق این مسئله بایستی بین سی تا سی و شش درصد رشد اقتصادی داشته باشیم (این در حالی است که متوسط رشد اقتصادی در این سی و هشت سال حدود سه و نیم درصد بوده است). پس نه تنها هیچ کشوری در دنیا چنین سابقه ای از رشد اقتصادی را تجربه نکرده، در کشور خودمان هم که بر اساس اهداف سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴ قرار بود رشد متوسط سالیانه ۸ درصد داشته باشیم و امسال پس از گذشت حدود دوازده سال از شروع برنامه تازه دولت توانسته رشد اقتصادی منفی دولت قبل را به بالای صفر برساند، آیا چنین چیزی ممکن است؟

آقای قالیباف یا مدرک مشاوران اقتصادیتان بدون زحمت و تلاش به دست آمده و یا درصدد معجزه اید. اگر توان معجزه دارید این مساله دیگر از حوزه تحلیل ما اهالی اقتصاد خارج است و ترجیح می دهیم به کاری که به ما مربوط نمی شود ورود نکنیم.

به سفید بودن شناسنامه خود افتخار نکنید

بهزاد پاکروح



با این پدیده آشناییم که کسانی با یک بار پیشداوری که ممکن است یادشان هم نیاید که "کِی بود و چگونه" برای همیشه طرفدار یک تیم فوتبال داخلی یا خارجی شده اند و آن تیم در داخل زمین یا بیرون از زمین هرچه خلاف و خطا و بدی کند باز با چشم بسته طرفدار آنند.

این بیشترَ یک شوخی و سرگرمی در جامعه است و نقشی مهم در سرنوشت فرد و جامعه ندارد اما معادل جدی آن در انتخابات هم دیده می شود.

آن افراد ممکن است "از ورزش سر در بیاورند" اما معمولا "از سیاست نه"!

کسانی از قبل تصمیم خود را گرفته اند که طرفدار یا مخالف کسی باشند و "قرمز یا آبی بودنشان" گل می کند!

دنبال کشف حقیقت و درک واقعیت نیستند؛ تنها به قاضی می روند و راضی بر می گردند؛ از بین مطالبِ درست و نادرست، آن چه را به نفع کاندیدای مورد نظرشان یا به زیان کاندیدای دیگر است درست می پندارند و بر درستی تصمیم خود پای می فشارند و لحظه ای به چیزی غیر از آن فکر هم نمی کنند و اگر از قضا متوجه نکته ای به زیان این حال خود شوند نادیده اش می گیرَند یا به خودشان می گویند حتما ساختگی است.

مثالش این که هر یک از آن ها "مخالفِ خود" را مخاطب این نوشته مِی پندارد نه "خود" را!

"همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال".

تعصبِ مشابهی را کسانی دارند که باوِر کرده اند که رأی ندادن تنها کارِ درست است و به سفید بودن شناسنامه خود افتخار می کنند!

گاه به این خاطر که گمان می کنند این کار روشنفکرانه است!

گاه با این استدلال که رأی شان بی اثر است!

گاه با این توضیح که بین کاندیداها فرقی نیست!

و گاه با این توجیه بسیار دور از واقعیت که رئیس جمهور، نقشی ندارد!

معمولا برای رد هر یک از این توجیه ها به استدلال دیگران نیاز نیست، اگر "چشمشان را بشویند و جور دیگر ببینند" بازنگریِ خودشان کافیست.

اندکی بی تعصب نگاه کنند می بینند که رأی ندادن هم نوعی رأی دادن است اما معمولا به نفع کسی که اگر رأی می دادند به او نمی دادند.

زمانی این جبهه ی "رأی ندهندگان" را افرادی که در "آغاز راه روشنفکری" بودند در جامعه ایجاد می کردند و از مردم می خواستند که در انتخابات شرکت نکنند، حالا آن افراد بر اساس درک جدید و تجربه شان به هر روشی می گویند "شرکت کنید" صدایشان به بیشتر افرادی که هنوز در همان "پُزِ" قبلی جا مانده اند نرسیده است.

مشوقانِ رأی ندادن گروهی دیگر هم هستند؛ آنان که خود را اصلح "می پندارند" یا "می نمایانند" و چون حداقلِ شرایط را برای پذیرفته شدن در رقابت نداشته اند می گویند "یا من یا هیچ کس!" البته با استدلال هایی که کسانی متوجه نشوند و فریفته شوند.

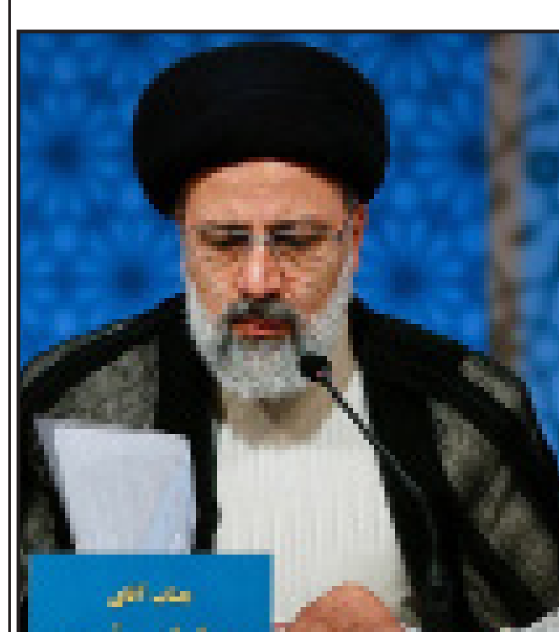
این دسته ها تعدادشان در حدی است که گاه نتیجه ی انتخابات را عوض می کنند و می شوند کسانی که در کشتی نشسته اند و زیر پای خود را سوراخ می کنند.

این حال طبیعی است و خاصِ ایران نیست. نتیجه ی انتخاباتِ آمریکا و این که انبوهی از مردم بریتانیا "پس از" رأی به خروج از اتحادیه اروپا در گوگل جست و جو کردند که "پی آمدهای خروج از اتحادیه اروپا" چیست و "میزان آرای جذب شده توسط پوپولیست ها و کمونیست ها" در فرانسه و بسیاری از مثال های دیگر نشان می دهد که جامعه ما نسبت به کم بودن قدمت نقش آفرینی مردم در اداره کشور، در نقطه و جهت مناسبی از مسیر تکامل قرار دارد.

چو می بینی که نابینا و چاه است / اگر خاموش بنشینی گناه است
(سعدی)

سخنی با حجت الاسلام رئیسی؛

مدام با آب و تاب از بیکاری و فقر مطلق سخن می‌گویید را چه بنامیم؟!



سهراب زند: جناب حجت الاسلام رئیسی و برخی دیگر از کاندیداها از دیپلماسی ملتمسانه دولت سخن گفتند، آنها سخن گفتن از خزانه خالی را اشتباه فرمانده‌ای خواندند که به دشمن اعلام می‌کند دیگر نیرویی ندارد!

اما جناب آقای رئیسی عزیز!

بگذریم از اینکه دولت چگونه می‌تواند از عملکرد خود در مقابل بی‌انصاف‌ترین تخریب‌گران که اکنون حول محور شما جمع شده‌اند، دفاع نماید بدون آنکه بگوید چه تحویل گرفته و چه تحویل داده.

بگذریم از آنکه معجزه هزاره سوم شما و دوستان و حامیان شما، قبل از اینَ دولت و در اواخر دولت خویش به صراحت همه مشکلات اقتصادی را در گفتگوی تلویزیونی و سخنرانی‌ها گردن تحریم‌ها می‌انداخت و حتی به زبان هم اعتراف کرد که تحریم‌ها باعث این تشنج و التهاب اقتصادی است و روی شعارهای گذشته خود نایستاد و دیگر لازم نبود کسی منتظر اعتراف مسئولین نسبت به اثرگذاری تحریم‌ها باشد.

بگذریم از اینکه غربی‌ها با آن همه اطلاعات و پژوهشگر کارکشته در مورد مسائل ایران، هیچ احتیاجی به اطلاعات روحانی نداشتند که بفهمند چه بلایی می‌شود سر کشوری آورد که ذیل فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل به عنوان تهدید جامعه جهانی قرار گرفته است.

بگذریم از اینکه اگر روحانی با تفاسیر شما به دشمن آدرس غلط و ضعف نشان داده بود، دیگر احتیاجی به مذاکره نبود و شش ابرقدرت جهانی ماه‌ها با ایران مذاکرات سخت و فشرده را ادامه نمی‌دادند و هسته‌ای را که خط قرمزشان بود قانونی اعلام نمی‌کردند و دیگر هیچ تحریمی را بر نمی‌داشتند چراکه خود اعتراف کردند که اگر می‌توانستند پیچ و مهره هسته‌ای را از هم باز می‌کردند اما نمی‌توانند.

از همه اینها بگذریم و یک سوال را از محضر نقدپذیرتان بپرسیم!

اینکه شما مرتبا با آب و تاب از فقر و بیکاری در کشور سخن می‌گویید و اکثر فیلم تبلیغاتی شما را بیان سیاه‌روزی ملت ایران تشکیل می‌دهد و اینکه یار جمنایی شما ۲۵ میلیون نفر (از هر سه نفر یک نفر) در ایران اسلامی را در فقر مطلق! (بدون خوراک، بهداشت، سرپناه، تحصیل) توصیف می‌کند را چه بنامیم؟!

شمایی که بهمراه یارانتان مرتبا مردم ایرانِ تحت مدیریت نظام اسلامی را در فلاکت نشان می‌دهید چه آدرسی به نسل‌های جوان راجع به مدیریت چهل سال انقلاب اسلامی می‌دهید؟ مگر این مشکلات تازه بوجود آمده است؟

شمایی که هنوز با شعار افزایش یارانه نقدی و بازگشت به سیاست ویرانگر توزیعی-پوپولیستی احمدی‌نژادیسمی و برنامه‌های بی‌پشتوانهِ غیرکارشناسی، مردم را گدای توزیع پول تلقی می‌کنید چه آدرسی می‌دهید؟

تصور می‌کنید اگر با سیاه‌نمایی به مردم بقبولانید که تمام تلاش‌ها و موفقیت‌های این دولت نادیده بگیرند، مردم به سراغ شما می‌آیند یا اینکه نسبت به اصل کارآمدی انقلاب و نظام اسلامی ناامید می‌شوند؟

تصور می‌کنید حتی اگر رئیس‌جمهور شوید و بار دیگر مردم به طیف سیاسی شما اعتماد کنند، با هجوم سرسام‌آور مشکلات مدیریتی که خود به خوبی به آن واقف هستید، به راحتی غلبه می‌کنید و مردم را عصبانی و پریشان‌تر از قبل، نمی‌شورانید؟

آقای رئیسی! مردم صد برابر سال های گذشته، سخت‌گیر هستند چون ادعاهای تخریبی ما بجای آنکه متمرکز بر دشمنان واقعی باشد، بیش از هر زمانی تیغی بر گلوی مدیران قوی و کارآمد کشور شده است.

کو شعار مهار تورم یا محو گرانی؟
اعتراف رقبا به موفقیت روحانی

عصر ایران؛ مهرداد خدیر: «گرانی افسار گسیخته را مهار کنید!»؛ این تیتر درشت صفحه گزارش روزنامه اطلاعات در ۱۵ دی ۱۳۵۸ خورشیدی و در گرماگرم اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری است.

در بالای تیتر یا در اصطلاح ما مطبوعاتی ها «روتیتر» نیز این جمله با حروف درشت آمده است: «ارزاق عمومی، دارو، وسایل یدکی اتومبیل و کلیه لوازم و کالاهای پر مصرف روز به روز گران تر می شود».

در این گزارش با مردم مصاحبه شده تا از اولین مطالبه خود از نخستین رییس جمهوری ایران بگویند و غالبا خواستار «مهار گرانی» شده اند. کاندیداها سعی می کردند تخصصی تر صحبت کنند و در کنار «گرانی» از «تورم» بگویند.

داریوش فروهر یکی از نامزدها در نطق تلویزیونی خود می گوید: «تورم زاییده افزایش دستمزدها نیست. نمی توان گفت بالا رفتن دستمزدها باعث تورم و افزایش قیمت ها شده است.»

شاید باور نکنید شکوه از گرانی در روزهایی بوده که قِیمت هر دلار ۷۵ ریال – بله هنوز هفت تومان و پنج ریال–، قیمت یک آپارتمان دو خوابه (کل واحد نه هر متر مربع) در خیابانی چون گاندی ۵۵۰ هزار تومان (۳۰۰ هزار تومان آن را هم با ۳۰ هزار تومان سپرده گذاری وام می دادند!) و قیمت تور ۱۲ روزه لندن ۷ هزار تومان – بله ۷ هزار تومان– بوده در حالی که کارمندی در حد مهندس متخصص هم ماهانه ۷ هزار تومان حقوق می گرفته است و یادمان باشد دو ماه از اشغال سفارت آمریکا و اصطکاک در سیاست خارجی می گذشت و با این حال مردم و کاندیداها از مهار تورم و کاهش نرخ تورم می گفتند.

این مقدمه به قصد تحریر یک مطلب تاریخی درباره ۳۸ سال قبل نیست. به این سبب است که یادآور شویم در هر انتخابات و حتی دوره اول با آن قیمت ها مردم و کاندیداها درباره ضرورت کاهش نرخ تورم می گفتند اما این روزها از زبان هیچ نامزدی واژه «تورم» را نمی شنویم.

نه که تورم نیست که معلوم است که هست و رقم رسمی هم زیر ۱۰ درصد و غیر رسمی تا ۱۴ درصد هم گزارش شده اما موفقیت دولت روحانی در کاهش رشد یا شتاب نرخ تورم از ۴۵ درصد به ۱۰ درصد جایی برای مانور رقبا بر روی نرخ تورم نگذاشته است.

به عبارت دیگر رقبای روحانی از «تورم» شیفت کرده اند به «رکود» و «بیکاری» یا با سکوت درباره تورم اذعان می کنند که روحانی در مهار نرخ تورم موفق بوده منتها با «رکود رکود» کردن می کوشند این دستاورد کم سابقه را کم ارزش جلوه دهند.

به جز سال های ۶۴ و ۶۵ در دولت مهندس موسوی که نرخ تورم کاهش یافت و به عبارت درست تر شتاب افزایش قیمت ها اگر نه مهار که کمتر شد و سال هایی در دولت اصلاحات که تورم کنترل شد (و باز این هم به معنی ارزان شدن کالاها نیست) در بقیه سال ها تورم چونان اسبی سرکش در حال چموشی بوده و در دو مقطع در سال های ۷۳ و ۷۴ و نیز ۹۰ و ۹۱ به ۴۵ درصد هم رسید و بیش از همه در عرصه مسکن و زمین افسار گسیخته شد تا جایی که قیمت یک متر زمین یا آپارتمان در برخی مناطق تهران در سال ۹۵ هزار برابر قیمت ۶۵ شد! (از متری ۱۰ هزار تومان به ۱۰ میلیون تومان). با این تفاوت که تورم ۷۴ با رونق و افزایش دستمزد همراه بود و تورم احمدی نژادی رونقی در پی نداشت و حاصل آن به وجود آمدن یک طبقه نوکیسه شده که تظاهرات سرمایه سالارانه آنها زندگی را برای اقشار دیگر توأم با نارضایتی کرده است.

روحانی و تیم اقتصادی او (نیلی، نوبخت و طیب نیا)



در واقع هم رکود را تحویل گرفتند هم تورم را. اگر می خواستند تنها به رونق بیندیشند باید تورم را رها می کردند و آن گاه سال ۷۴ تکرار می شد و از همه سو شعار ارزانی برمی خاست. او اما کاهش نرخ تورم را در اولویت قرار داد و نیاز به ثبات بود.

از این روست که می توان گفت حذف کاهش نرخ تورم از شعارهای نامزدها اعتراف صریح به موفقیت روحانی در تحقق آرزویی است که دست نایافتنی می نمود تا جایی که شماری از کارشناسان می گفتند از تورم باید صرف نظر کرد و به رونق ولو به بهای تورم بیشتر اندیشید و بعد افزایش قیمت ها را با افزایش دستمزدها و سپس حذف صفرها جبران کرد. روحانی و طیب نیا اما ریسک نکردند چون هیچ تضمینی وجود نداشت که وقایع سال ۷۴ تکرار نشود و هم چوب را بخورند و هم پیاز را.

مرور می کنیم: حتی در دوره اول با دلار ۷۵ ریالی هم صحبت از تورم و گرانی بود. در دوره دوم و سوم هم اگر دو رییس جمهور وقت (شهید رجایی و آیت الله خامنه ای) از تورم نگفتند به این خاطر نبود که تورم نبود بلکه به این دلیل بود که کشور درگیر جنگ و ترور بود و ریاست دولت هم با نخست وزیر بود و او بود که باید از تورم می گفت. نخست وزیری که هنوز انتخاب نشده بود.

در دوره بعد و در سال ۶۴ اما رقبای رییس جمهور مستقر از تورم ۲۵ درصدی گفتند تا دولت را زیر سوال برند و نخست وزیر واکنش نشان داد و گفت تورم پایین آمده و راست هم می گفت چون برای اولین بار نرخ مسکن رو به کاهش گذاشت و در نیمه اول سال ۶۵ قیمت یک متر مربع آپارتمان در یوسف آباد تهران به ۱۰ هزار تومان رسید در حالی که حقوق متوسط ماهانه کارمندان حول و حوش همین قیمت بود و بعد از آن روند افزایش شروع شد و دیگر هرگز باز نایستاد و تزریق نقدینگی مدام اوضاع را خراب تر می کرد.

با این توضیحات گزاف نیست اگر بگوییم که انتخابات پیش رو نخستین انتخابات در جمهوری اسلامی است که نامزدها در آن وعده کاهش نرخ تورم نمی دهند.

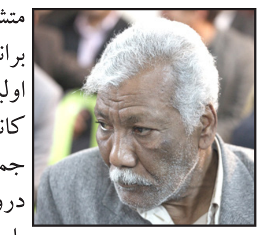
نویسنده این سطور هم در این جامعه زندگی می کند و از تبعیض ها و نابرابری ها و یک شبه میلیاردر شدن ها آگاه است و غرض این نیست که بگوییم مملکت گل و بلبل شده و قیمت ها به قبل بازگشته اند. معلوم است که همچنان گران می شوند اما در نگاه منصفانه سرعت ۱۰درصد کجا و ۴۵ درصد کجا؟ کمی بیشتر از افزایش دستمزدها کجا و بسیار بیش از افزایش کجا؟ تأکید بسیار بر بیکاری و رکود و تازگی ها حتی «گرسنگی» شاید برای این باشد که نخواهند به موفقیت خیره کننده دولت در مهار رشد تورم (و نه ارزانی که رشد ۱۰ درصدی به جای ۴۵ درصدی) اشاره کنند. یادمان باشد دولتی وارث خراب کاری های هشت ساله باید دست به انتخاب می زد و از بین سه شاخص نرخ رشد، نرخ تورم و نرخ بیکاری یکی را اولویت می داد و به کاهش نرخ تورم و افزایش نرخ رشد اولویت داد و رفع بیکاری را به سرمایه گذاری خارجی با بهبود روابط موکول کرد.

اگر رأی مردم با توجه به این نکته باشد و دلواپس ها بگذارند نوبت به رفع رکود هم می رسد هر چند بخشی از این رکود به زیان مصرف کننده نبوده مثلا دلیلی ندارد که سازندگان مسکن این همه سود ببرند و اگر به سود کمتر قانع باشند حالا هم می توانند کار کنند.

کاهش نرخ تورم یا کاهش سرعت نرخ تورم و ثبات قیمت ارز و سوخت از موفقیت های بزرگ دولت روحانی است و اگر رقبا رکود رکود می کنند شاید به این خاطر باشد که درباره تورم حرفی ندارند وگرنه کدام دوره را به یاد داریم که صحبت از غول تورم نبوده باشد؟ غولی که به چراغ رفته و با کمترین بی دقتی و بی تدبیری و پول پاشی –اگر پولی در بساط باشد– از چراغ بیرون می آید.

انتخابات
شماره ۸۳۹ یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

چه کسانی در مناظره انتخاباتی دروغ گفتند!؟



متشنج و چالش برانگیزترین بخش اولین مناظره ی مستقیم کاندیداهای ریاست جمهوری، طرح اتهام دروغگویی و عدم پایبندی اخلاق سیاسی به دکتر حسن روحانی توسط قالیباف بود که جوّ مناظره را وارد جدی ترین فاز خود نمود.

از آن جا که طرح اتهامات سنگینی نظیر دروغگویی و بی اخلاقی آن هم به یک فرد روحانی که چهار سال است سمت ریاست جمهوری کشور را داشته و اکنون خود را برای چهار سال دیگر آماده می کند، برای بسیاری از اقشار جامعه، شائبه برانگیز شده و شبهاتی را بوجود آورده است، لذا ضروری است تا به این مهم پرداخته شده و صحت و سُقم برخی از آن ادعاها مشخص گردد، هر چند که در فرصت کوتاهی نیز آقای روحانی، خود در مقام پاسخگویی برخاست.

ادعاهای جناب قالیباف، حول سه محور زیر می چرخید:

۱- اینکه روحانی در خصوص وعده ی ایجاد چهار میلیون شغل در زمان تبلیغات انتخاباتی خویش به مردم دروغ گفته و اخلاق سیاسی را رعایت نکرده است.

دکتر روحانی در پاسخ به چنین ادعا و اتهامی، اظهار داشت که «هیچ وقت چنین ادعایی نکرده است».

و اما واقعیت مسأله چیست؟: با مشاهده ی فیلم تبلیغاتی چهارسال پیش روحانی، در می یابیم که ایشان رسیدن به چنین امری را مشروط به ورود ده میلیون گردشگر به ایران کرده بود. عین گفته ی روحانی چنین است: «با بیکاری می توان مقابله کرد. ما سه میلیون و سیصد هزار بیکار داریم. اگر در سال ده میلیون گردشگر وارد کشور شود، ۱۳ میلیارد درآمد ارزی به دست می آید و چهار میلیون اشتغال درست می شود». و در ادامه ی همین گفته، روحانی در یک سخنرانی در ارومیه (خرداد ۹۵)، اظهار می دارد که دولت یازدهم به دنبال ایجاد یک میلیون شغل در سال است و باید به این هدف برسد. ولی طبق آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران و با وجود تحریم های کمرشکن اقتصادی و کمبود بودجه و کارشکنی های داخلی، دولت توانسته فقط دو میلیون و هفتاد و هشت هزار شغل ایجاد کند، در صورتی که طبق اعلام همین مرکز، دولت احمدی نژاد با آن درآمد سرسام آور و بی سابقه نفتی و حمایت های همه جانبه ای که جناح اقتدارگرا از او به عمل می آورد، در مدت هشت سال فقط توانسته بود ۶۰۹ هزار شغل ایجاد نماید!!

۲- اینکه بابک زنجانی به ستاد انتخاباتی چهار سال قبل روحانی کمک مالی کرده است.

قالیباف: «متهم اقتصادی محکوم به اعدام، در انتخابات قبلی به شما کمک کرده است».

روحانی: «ستاد من تکذیب کرده است. یک آدم مفسد محکوم به اعدام یک ادعایی کرده. از آدم مفسد کسی نقل قول نمی کند. این دروغ محض است».

و اما واقعیت مسأله چیست؟: این ماجرا و بیان چنین ادعایی، مربوط می شود به اختلافی که زمانی میان قوه قضائیه و مجریه بخاطر کُندی روند بررسی پرونده بابک زنجانی در قوه مجریه صورت گرفته بود. روحانی در یک سخنرانی علنی، عدم رسیدگی به این پرونده را به گردن قوه قضائیه گذاشت، و رئیس آن قوه نیز در یک واکنش مقابله جویانه و تدافعی به نقل از بابک زنجانی اظهار داشت که او مدعی است که میلیاردها تومان به ستاد انتخابات رئیس جمهور کمک کرده است. هر چند که دولت این گفته را تکذیب کرد اما قوه قضائیه در جهت اثبات گفته خود هیچ سند و مدرکی ارائه ننمود. یعنی اینکه سردار قالیباف در مناظره مذکور، به ادعایی متوسل شده که اصلا اثبات نشده!!



۳- اینکه دکتر روحانی به بابک زنجانی مفسد اقتصادی، بعنوان یک صادرکننده ی نمونه، لوح تقدیر داده و از او تمجید کرده است.

و اما واقعیت مسأله چیست؟ این موضوع برمی گردد به مراسمی که توسط یک نهاد اقتصادی به منظور بزرگداشت صادرکنندگان نمونه ی کشور برگزار شده بود و قرار بر این بوده که برای تشویق آنان، لوح های تقدیری تهیه و توسط رئیس جمهور به آنان تقدیم گردد. در این مراسم که چندین صادرکننده مشارکت داشته و اغلب نیز برای روحانی ناشناس بوده اند، بابک زنجانی نیز یکی از صادرکنندگان نمونه معرفی شده بود. جالب اینکه مدت ها پس از این مراسم و بعد از افشا شدن حیف و میل های زنجانی با شکایت وزارت نفت دولت روحانی از ایشان، تمامی سایت های جریان اصولگرا و برخی از شخصیت های این جناح که به نوعی با قضایای زنجانی مرتبط بوده اند، در سطح وسیعی مبادرت به انتشار عکس روحانی هنگام دادن لوح تقدیر به زنجانی نموده و در یک فرافکنی هماهنگ، تلاش نمودند تا روحانی و دولت او را نیز در این امر دخیل بدانند!؟

حال با توجه به مراتب فوق، خوانندگان گرامی بفرمایند کدامیک از این دو کاندیدای محترم دروغ گفته و اخلاق سیاسی را رعایت نکرده و زیر پا گذاشته است!؟

مناظره دوم

قبل از ورود به این مبحث لازم است در مورد واژه ظاهرا نامقبول و عمل ناپسند «دروغ»، توضیحاتی به عرض برسد:

اصولا دروغ و دروغگویی، یک فعل و رفتار انسانی و ساخته ی ذهن و زبان آدمیان است که هر کسی در هر مقام و موقعیتی، در طول عمر خود و بسته به منافع و نیاز و مخمصه ای که در آن گرفتار آمده است، از آن به عنوان یک راهکار و تنها راه نجات استفاده نموده و مخصوص به زمان و اشخاص بخصوصی هم نمی باشد، و هر کسی که بگوید تا کنون دروغی نگفته است، خود بزرگترین دروغگوی دنیاست.

بنابراین اگر در این نوشتار، کسی تصور کند که تنها به افراد خاصی خدای ناخواسته اتهام دروغگویی وارد شده است، هم عاری از حقیقت است، هم می تواند حقیقت داشته باشد، ضمن آن که هیچ جایی هم برای تعجب و تأیید و تکذیب هم ندارد، زیرا در این مبحث ویژه، اگر کسی هم حین انجام مناظره، فردی را در مورد خاصی دروغگو نامیده باشد، مطمئناً خود در جاهای دیگری مبادرت به دروغگویی نموده است. و اما بپردازیم به اصل موضوع که همان مناظره کذایی است:

۱- آقای دکتر روحانی، کمی تا قسمتی دروغ گفت وقتی که در پاسخ به اتهام قالیباف مبنی بر قاچاقچی بودن وزیر آموزش و پرورش و دختر ایشان، نفرمودند که: جناب سردار! وقتی که در دولت من، یک معلم دبستان و یا حتا استاد دانشگاه، برای امرارمعاش خویش، مجبور است سر و ته کلاس درس خود را هر چه زودتر به هم رساند تا بتواند خارج از مدرسه با ماشین از رده خارج شده ی پیکانش راهی خیابان شده و مسافرکشی نماید، شما چه انتظاری از وزیر آموزش و پرورش مملکت و دختر او دارید!؟ ضمن آنکه این موضوع در هیچ محکمه ای هم به اثبات نرسیده و حتا از سوی نهادهای رسمی کشور نیز تکذیب شده، ضمن آن که وزیر چنان معلمانی، در جایگاه شهردار محترم و قدر قدرت و خودمختار و بخشنده ی هزاران میلیارد اموال عمومی به ثمن بخس در پایتخت است که می تواند برای برگزاری مراسم آنچنانی عروسی دختر محترمشان، یکی از پارک های عمومی پایتخت را قرق نموده و تمامی راه های منتهی به آن پارک را به منظور اجرای امن مراسم مذکور مسدود نماید!

۲- آقای اسحاق جهانگیری هم از دروغگویی مبرا نبود، زیرا در جواب آقای سردار محترم که وعده ی پرداخت ماهی ۲۵۰ هزار تومان یارانه به بیکاران مملکت (بخوانید گدایان) می داد و آن را عملی شدنی و بحق و کاملا مبتنی بر شرع و معیارهای اقتصادی می دانست، نفرمودند: جناب سردار معزّز! شما که در دولت جناب احمدی نژادِ مقبول و محبوبتان آن هم با کسب درآمد ۷۰۰ میلیارد دلاری فروش نفت، طی نامه ای به مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷، پیرامون پرداخت یارانه ماهی ۴۵۵۰۰ تومان، نوشتید «روی دیگر هدفمند کردن یارانه ها بر اقشار آسیب پذیر، افزایش قیمت کالاها در سطح عمومی و به دنبال آن رشد شاخص تورمی در کشور است» و حتا هشدار می دادید که «این امر منجر به گسترش فقر و رشد محرومیت در کیفیت زندگی بخصوص در میان حقوق بگیران خواهد شد، و این امر، تنش های اجتماعی، افزایش فساد و ارتشاء، گسترش آسیب های اجتماعی، افزایش جرایم و تخلفات، تحریف پذیری جامعه و به دنبال آن شورش ها و نا امنی های اجتماعی را محتمل خواهد ساخت»، چگونه است که اکنون شما و همفکر و هم جبهه ای تان جناب ابراهیم رئیسی، مصرّ به پرداخت یارانه، آن هم با چنین وضعیت فلاکت بار اقتصادی که جامعه با آن دست به گریبان است می باشید!؟

البته چون بقیه سخنان و ادعاهای جناب رئیسی نیز در راستای همان فرمایشات جناب قالیباف بوده و هر دو از یک قماش و در امتداد یک خط می باشند و از یک آبشخور فکری تغذیه می نمایند، مطالب این بخش از نوشتار را شامل هر دوی آن جنابان می دانم.

بی تردید سخنان نادرست و عاری از صداقت های دیگری نیز در این مناظره از سوی دیگر کاندیداهای محترم شنیده شد که به منظور پیشگیری از اطاله کلام، فعلا به آن ها نمی پردازم.

خورشید فقیه

بیانیه حمایت گروهی از متخصصان سلامت روانی و علوم اجتماعی از حسن روحانی

باور داریم با روحانی، مردم حال بهتری دارند

گروهی از متخصصان سلامت روانی و علوم اجتماعی با انتشار بیانیه‌ای از حسن روحانی حمایت کردند

می‌گویند شادی جمعی، ثبات روحی، نبودن تنش‌های هر روزه در سطح کلان کشور، ارتباط مستقیمی با سلامت روان جامعه دارد. به عقیده کارشناسان جامعه‌ای که وضعیت سیاسی مشخصی دارد، جامعه‌ای که در یک سیر ثبات روزگار می‌گذراند، دارای مردمی سالم از نظر روانی خواهد بود. در تعریف آکادمیک سلامت روان آمده است: «سلامت روان به عنوان حالت رفاهی که در آن هر فرد ظرفیت‌های خود را شناخته، بتواند با استرس‌های طبیعی زندگی خود کنار آمده، به طور مؤثر و مولد کار کند و نیز قادر باشد در اجتماع مشارکت کند، تعریف شده است».

بدیهی است که نبود سلامت روانی هزینه‌های گزاف اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی را بر یک کشور تحمیل می‌کند. از آنجا که بسیاری از تعیین‌کننده‌های کلان سلامت روان در سطوح مختلف حکومت پراکنده‌اند، بهبود وضعیت سلامت روان نیز نیازمند اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای مرتبط از سوی سایر بخش‌هاست. به عبارت دیگر، برخی از سازمان‌ها و ارگان‌ها، به غیر از بخش سلامت، با عوامل تأثیرگذار بر اختلالات روانی و رفتاری در ارتباط‌اند، بنابراین خود آن سازمان‌ها و ارگان‌ها باید سیاست‌ها و راهکارهای لازم را اتخاذ کنند. سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد سلامتی در کنار سلامت جسمی، ذهنی و اجتماعی مطرح شده است. دیدگاه معنوی روی باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها تأثیر عمیق دارد و بر بیوشیمی و فیزیولوژی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر روی فکر و بدن، تندرستی معنوی نامیده می‌شود. شاید برای همین است که گروهی از متخصصان سلامت روانی- اجتماعی کشور با صدور اطلاعیه‌ای ضمن حمایت از دولت تدبیر و امید، دلایل خود را برای حمایت از حسن روحانی برشمردند.

در این بیانیه آمده است:

«ما جمعی از متخصصان حوزه سلامت روان کشور با آگاهی از شیوه نگرش و برنامه‌های نامزدهای محترم ریاست‌جمهوری به دلایل زیر و مبتنی بر نگرانی‌های حرفه‌ای که برای مردم ایران داریم به رئیس‌جمهور حسن روحانی مجددا رأی خواهیم داد:

۱. در سال‌های اخیر بارها در مورد زیانِ تنش‌های سیاسی و ناپایداریهای اجتماعی بر سلامتِ روان مردم هشدار داده شده است. مبتنی بر یافته‌های علمی و متکی بر تجربه خود به جد باور داریم سهم مؤلفه‌های اجتماعی در بهبود یا وخامت سلامت عمومی و روانی مردم بسیار تعیین‌کننده است. کشور به آرامش، آشتی و پیش‌بینی‌پذیری و در یک کلام به حکمرانی خوب نیاز دارد. دیدگاه‌هایی که مجددا سایه شوم جنگ و تحریم را بر این آب و خاک مستولی گرداند به جد برای سلامت روان مردم تهدیدکننده؛ و برای تمامیت ارضی، همبستگی عمومی و توسعه ملی سمی مهلک است. به روحانی رأی می‌دهیم چون طرفدار آشتی، صلح و قانون هستیم.

۲. فقر، تبعیض، فساد و ناکارآمدی سیستم اداری برای کشور و برای سلامت روان مردم چونان زهر هلاهل است. ما متخصص اقتصاد نیستیم؛ اما در چارچوب حرفه خود می‌دانیم که روانِ مردم از ناپایداری‌ها و ناامنی‌ها آسیب جدی می‌بیند. به روحانی رأی می‌دهیم چون نگاه توسعه‌ای دارد و تداوم برنامه‌های او به مدت چهار سال دیگر می‌تواند رکود را چون تورم بکاهد و با رونق تولید و اشتغال بر وضعیت قدرت خرید مردم تأثیر بگذارد. به او اعتماد کرده‌ایم چون در مجموع کارنامه او را در مبارزه با فساد آبرومندتر و قابل دفاع‌تر یافته‌ایم. دولتی که رونق، امنیت، و امید به آینده را به ارمغان آورد، برای بهتر شدن حالِ ایرانیان و ایران مفیدتر خواهد بود.

۳. بدون وجود رسانه‌های آزاد نمی‌شود با فساد مبارزه‌ای مؤمنانه کرد. به روحانی رأی می‌دهیم چون رسانه‌های مجازی را محدود نکرد. رسانه‌های آزاد به جامعه امکان تنفس و البته امکان سخن گفتن و دیده‌شدن می‌دهد. فضای مجازی امکان‌های مهمی برای گفت‌وگو و مشارکت جمعی را در شرایطی که امکان مشارکت در فضای حقیقی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است، به مردم ما داده است.

به سربلندی ایران و به حالِ خوب ایرانیان می‌اندیشیم. باور داریم با روحانی، مردمان ما حال بهتری خواهند داشت».

در گفت‌وگو با دو نفر از امضاکنندگان این بیانیه، ارتباط سلامت روان و ثبات سیاسی را جویا شدیم. دکتر امیرحسین جلالی، «روان‌پزشک» در این باره به «شرق» می‌گوید: «سؤال شما در حقیقت به مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در سلامت و سلامت روان مرتبط است. سازمان جهانی بهداشت چند سالی است نقش مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در سلامت را مورد توجه قرار داده و تحقیقات زیادی روی آن انجام گرفته است. به‌گونه‌ای که گفته می‌شود تا ۷۰ درصد نقش تعیین‌کننده دارد». او افزود: «البته عوامل اجتماعی متفاوت روی هر موضوعی تأثیرات متفاوتی می‌گذارند؛ اما چیزی که مشخص است، عواملی مثل فقر، بی‌کاری، تبعیض و نابرابری و ناپایداری‌های اجتماعی، مثل ناپایداری وضعیت سیاسی و پیش‌بینی‌ناپذیربودن بخشی است که روی سلامت روان تأثیرگذار است. زمانی که جامعه فکر کنند که وضعیت آینده کشورشان با ثبات‌تر است، می‌توانند برنامه‌ریزی طولانی مدت‌تری داشته باشند و این می‌تواند آرامش بیشتری برای جامعه رقم بزند».



Photo by : Mohammad Berno

جلالی در پاسخ به این سؤال که وضعیت سلامت روان جامعه ایران را در چهار سال دولت تدبیر و امید چگونه ارزیابی می کنید، خاطرنشان کرد: «این مسئله نیازمند پژوهش است، ولی همان‌طور که اشاره کردم هر چقدر اوضاع جامعه آرام‌تر باشد و پیش‌بینی و برآورد جامعه از فردایش این باشد که قرار نیست تلاطم زیادی در جامعه ایجاد شود و قرار نیست هر چیزی در لحظه تغییر کند، قرار نیست تصمیم‌های اورژانسی در جامعه گرفته شود، قرار نیست مقررات دست‌خوش تغییرات کلیدی شود، در این شرایط وضعیت سلامت باثبات‌تر است. اصولا ما انسان‌ها به داشتن احساس کنترل نیازمندیم. هر قدر احساس کنترل در ما کاهش پیدا کند، حال ما بد می‌شود، به هر حال تجربه چهار سال گذشته نشان می‌دهد، حداقل اگر در بسیاری از شاخصه‌ها رشد نداشته‌ایم، اما نگران هر روزه تغییر قوانین و مقررات و تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی داخلی و بین‌المللی روی زندگی روزمره‌مان نیستیم. ما در چهار سال گذشته شاهد تغییر و نوسانات زیادی در اقتصاد نبوده‌ایم و همین پارامتر طبیعتا می تواند پارامتر مهم و تعیین‌کننده‌ای باشد. هر وضعیتی که در آن به نوعی بی‌ثباتی و نبود تعادل باشد و تصمیم‌های اورژانسی و شوک‌آور باشد، حداقل از منظر سلامت روان برای جامعه مفید نیست».

همچنین دکتر حسن رفیعی، از تهیه‌کنندگان متن این بیانیه به «شرق» گفت: «به جز این نامه که با صراحت بیشتری نسبت به وضعیت سیاسی موضع گرفته، هفته پیش هم بیانیه‌ای توسط انجمن روان‌پزشکی نوشته شده و مطالبات و درخواست‌های انجمن به عنوان نهاد روان‌پزشکی از رئیس‌جمهور ذکر شد که پای آن سند، تعدادی منابع و مستندات ملاحظه می‌کنید که در آنها مشخص شده است بین ثبات و آرامش سیاسی اجتماعی و بسیاری دیگر از عوامل اجتماعی با سلامت روان رابطه وجود دارد. مردم ما در این سال‌ها آنقدر این مسئله را با پوست و استخوان خود لمس کرده‌اند که خود آنها نیز درک می‌کنند میان وضعیت سیاسی کشور و سلامت روان رابطه مستقیمی وجود دارد. وقتی نرخ دلار بالا و پایین می‌رود، وقتی بیانیه‌ای علیه ملت صادر می‌شود، وقتی موضعی گرفته می‌شود که باعث می‌شود منافع ملی ما به خطر بیفتد، مردم کاملا حس می‌کنند». او افزود: «در چهار سال گذشته مملکت بهشت نشده بود، ولی شرایط بهتری را تجربه کردیم. برای اینکه اثبات کنیم در این بیانیه ما موضع سیاسی نگرفته‌ایم بلکه در واقع نگرانی و دغدغه سلامت روانی و اجتماعی داریم، به شاخص‌های اقتصادی نیز باید توجه کرد. در چهار سال گذشته شاخص فلاکت که شاخصی در اقتصاد است، کاهش پیدا کرده؛ این شاخص مرکب از وضعیت دو شاخص بی‌کاری و تورم است. هر دوی اینها از ۹۲ تا کنون کاهش پیدا کرده است. البته باید این مسئله را متذکر شد که با اینکه بی‌کاری کاهش پیدا کرده، اما بی‌کاری جوانان افزایش یافته است، دلیل این مسئله هم تأثیر هرم سنی جمعیت است که جوان شده است. در هر حال ما نتیجه می‌گیریم در کل وضعیت جامعه بهتر است؛ اما این بهبود شرایط به صورت یک‌دست اتفاق نیفتاده و انتظار این است که عقلانیتی حاکم باشد تا بشود اقدامات مؤثرتری داشت». او در پایان تصریح کرد: «از جهت دیگر شاخص نابرابری یعنی شاخص جینی، در طول سال‌های بعد از انقلاب تاکنون کاهش داشته است و البته در این کاهش هدفمندی یارانه‌ها تأثیر داشته است. همه اینها به ما نشان می‌دهد سلامت روان با دموکراسی رابطه‌ای مستقیم دارد».

ما به ایران می‌اندیشیم

دو هزار نفر از اهل قلم، هنر و فرهنگ ضمن تشویق مردم به شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری، از کاندیداتوری حسن روحانی حمایت کردند.

در روزهای اخیر و با پیوستن بزرگان حوزه‌های مختلف اعم از ادبیات، سینما، تئاتر، انیمیشن، موسیقی، هنرهای تجسمی، روزنامه‌نگاری، ترجمه و نقد و نظر و پژوهش و فعالانی از تمام حوزه‌های فرهنگی و با حضور همه سلایق و گرایش‌های هنری بیانیه‌ای امضا شد که در بخشی از آن این‌طور آمده است:

«...ما به ایران می‌اندیشیم،
به ایرانی که در چشم جهانیان جایگاهی داشته باشد که شایسته آن است،
به ایرانی که شهروندان شریفش از آرامش، امنیت، احترام، امید به زندگی و رفاهی برخوردار باشند که شایسته آن‌اند.
به ایرانی پاک از دروغ، نیرنگ و عوام‌فریبی، به ایرانی که در آن نویسندگان، هنرمندان و اهالی قلم بدون هراس از محدودیت‌های غیرقانونی، به آفرینش، خلق و نشر ادبیات و هنر خویش بنشینند و امید داشته باشند آنچنان که شایسته است قدر بینند و بر صدر نشینند و مطمئن باشند کار اهل فرهنگ به خودشان سپرده می‌شود.
ما با تکیه به تمامی این باورها، در انتخابات ریاست‌جمهوری به دکتر حسن روحانی رأی می‌دهیم که با تمام محدودیت‌ها، فشارها و موانعی



که وجود دارد، برای تحقق این باورها، گام برداشته‌اند و امید آن داریم که در دورهٔ جدید ریاست‌جمهوری خویش، بیش از پیش به وعده‌های خود و مطالبات به حق اهالی فرهنگ و هنر پای بفشارند و در دفاع تمام‌قد از قانون و حقوق مردم در همه سطوح آن، از پای ننشینند.
صدای فرهنگ در دولت جدید طنین بیاندازد، مطالبات اهالی فرهنگ بیش از پیش شنیده شود و دست معارضان و خشونت‌طلبانی که سد راه رشد و اعتلای فرهنگ و هنر هستند، از دامن سرزمین ما کوتاه شود.»

امید که این حمایت بی‌نظیر همراه با نگاه انتقادی و مطالبه‌محور این افراد پشتوانه حمایت‌های دیگر شود و با رسیدن به پیروزی، همه مردم ایران در چشیدن طعم شیرین نتیجه حرکت‌های مدنی شریک هم باشند.

همنشینی چهره‌هایی همچون ابوتراب خسروی، احمد پوری، مژده دقیقی، لیلی گلستان، عباس مخبر. حمید امجد، حسین پاکدل، میترا الیاتی، رضا شکراللهی، مصطفی رحماندوست، مهرداد اسکویی، احمد اکبرپور، بلقیس سلیمانی، ناهید طباطبایی، مهسا محب‌علی، سهیل محمودی، شهرام اقبال‌زاده، علی‌اصغر سیدآبادی، سعید عقیقی، سودابه سالم، پروین سلاجقه، لیلی فرهادپور، فرشته صدر عرفائی، بدرالسادات مفیدی. لیلی رشیدی، رویا صدر، وحید نصیریان. غلامرضا امامی، اسدالله امرایی، مازیار میری، امیر سحرخیز، عبدالجبار کاکایی. شهلا انتظاریان، محمدعلی شامانی، فریدون عموزاده خلیلی، امیرشهاب رضویان، نگار اسکندرفر، محبوبه نجف‌خانی، پیمان هوشمندزاده، مهرزاد دانش، ساعد باقری، افشین علاء، جعفر ابراهیمی‌نصر (شاهد)، هوشیار انصاری‌فرد، علی عبداللهی، آریا آرام‌نژاد، ستاره اسکندری، محمدحسن شهسواری، امیر دژاکام، مهدی حجوانی، سیدعبدالجواد موسوی و بسیاری دیگر از نام‌ها، که در ادامه فهرست امضاکنندگان بیانیه می‌خوانید، سرچشمه‌ی تلاش‌های بعدی ما برای پیروزی و پس از آن رسیدن به حال بهتر و شرایط شایسته‌تر اهالی فرهنگ خواهد بود.

فهرست کامل اسامی امضاکنندگان:
http://isna.ir/news/۹۶۰۲۱۶۰۹۹۵۰

هفته نامه نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

نسیم جنوب
انتخابات
شماره ۸۳۹ یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

تخریب روحانی؛ قاعده بازی منتقد نماها

تخریب و سیاه نمایی؛ رویه ای ناسالم است که منتقد نماها، بی توجه به آرامش و ثبات سیاسی- اقتصادی موجود در کشور، علیه دولت یازدهم دنبال می کنند.
به گزارش گروه پژوهش و تحلیل خبری ایرنا ، چند روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری، موج هجمه های منتقدان در قالب های تخریب، سیاه نمایی، اتهام زنی، جعل اخبار و شایعه افکنی علیه رییس جمهوری، دولتمردان و سیاست های دولت رو به روز بزرگ تر می شود؛ رویکردی که در طول دولت یازدهم از سوی جریان منتقدنمای دولت، به کار گرفته شد و هنوز نیز ادامه دارد.
با شروع به کار دولت یازدهم، انتقادهای مخرب علیه دولت کلید خورد. این هجمه ها در جریان مذاکرات هسته ای ایران و کشورهای۱+۵ و سپس امضا و اجرای برجام، سمت و سویی خاص یافت و با نادیده گرفتن دستاوردهای دولت در پسابرجام هدفمند تر شد، به طوریکه منتقدان با ادعاهایی بی توجهی به اقتصاد مقاومتی، کم کاری، فساد و ... درباره دولت یازدهم، تلاش می کردند، تا نامیدی از دولت را در افکار عمومی جامعه و میان مردم گسترش دهند.
هم اکنون نیز با آغاز شمارش معکوس برای انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، سوژه سازی در جهت تخریب دولت از سوی جریانی خاص، افزایش یافته است. با توجه به شدت و تنوع هجمه ها علیه دولت در چهار سال اخیر، همچنین تلاش فزاینده منتقدنماها در روزهای مانده به انتخابات، بیان نکاتی قابل ذکر است.
۱-روزهای نخست دولت یازدهم، جریان مخالف پا را از دایره اخلاق و انصاف بیرون گذاشتند و نه نقادانه که با ادعای وجود عناصر جریان «فتنه» در دولت یازدهم، در صدد برآمدند دولت را بی اعتقاد و بی توجه به اصول و ارزش های نظام جمهوری اسلامی معرفی کنند. به همین منظور در رسانه های وابسته به خود این گونه القاء می کردند که دکتر روحانی، در دولت خود بر بکارگیری عناصر فتنه اصرار دارد. این موضوع در جریان برجام و پسابرجام نیز ادامه یافت تا جایی که برخی مخالفان بی توجه به منافع ملی با ادعای وجود جریان نفوذ در تیم هسته ای ایران، مذاکره کنندگان هسته ای را به وطن فروشی و انفعال در برابر غرب متهم ساختند. ادعاها و بی اخلاقی های جریان مخالف در حالی مطرح شد که رییس جمهوری پیوسته بر حفظ منافع ملی و «نجات اقتصاد، تعامل سازنده با جهان و احیای اخلاق جامعه» به عنوان گفتمان دولت یازدهم تاکید می کرد.
۲- تبلیغات سوء و سیاه نمایی درباره عملکرد دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی و اقتصادی، پرده دیگری از کینه توزی های سیاسی جریان مخالف دولت در مدت چهار سال اخیر است.
در این راستا رسانه های جریان مخالف ، تلاش دولت یازدهم برای گشایش دیپلماسی اقتصادی، علمی و سیاسی با جهان را گرایش و وابستگی دولتمردان به بیگانه تعبیر می کردند و با انتشار اخبار و گزارش های مربوط به سفر هیات های اقتصادی کشورهای اروپایی به ایران، همچنین انعقاد قراردادهای تجاری دولت یازدهم با این هیات ها در تلاش بودند که این مناسبات را به زیان کشور و منافع ملی معرفی کنند.
در شرایطی که برجام، گشایش های اقتصادی و چشم اندازهای روشنی را در عرصه های سیاسی و اقتصادی برای کشور نوید می داد، شماری از مخالفان با سوء برداشت از اظهارات دولتمردان، ادعای «بی عایدی برجام» را در بوق و کرنا می کردند و بی توجه به امیدهای مردم در این باره، پیوسته در سوت ناامیدی و شکست برجام می دمیدند.
رویکرد سیاه نمایی و تخریب عملکرد دولت به عنوان قوه اجرایی نظام جمهوری اسلامی، نه فقط تهدیدی برای انسجام و اعتماد ملی به شمار می آید که آب ریختن در آسیاب دشمن است.
۳- به چالش کشیدن دستاوردهای دولت در حوزه اقتصاد با ادعاهایی همچون بی توجهی دولت به تولید داخلی، تکیه بر واردات کالاهای لوکس، بی تفاوتی نسبت به معیشت مردم، ارائه آمارهای ساختگی و عدم تعهد به سیاست های اقتصاد مقاومتی، روش دیگری است که در مخالفت با سیاست ها و عملکرد دولت یازدهم مطرح شد. این ادعاها در حالی است که پس از نزدیک به یک دهه بحران در اقتصاد کشور، سیاست های دولت به ویژه در پسابرجام نتیجه داد و گشایش هایی هم در عرصه داخلی و هم خارجی برای اقتصاد کشور به دست آمد. در این زمینه منتقدان با دوری از فضای نقد واقعی، ضمن نادیده گرفتن آرامش و تعادلی که در اقتصاد کشور اعم از بازار، معیشت مردم و ... به وجود آمد، دولت را به آمارسازی و ارائه ارقام بدون سند متهم ساختند. این جریان در ادامه برچسب سازی ها و اتهام زنی ها؛ مدعی تناقض گویی در دولت یازدهم شدند و این گونه القا کردند که دولت با افزایش یارانه ها و همچنین پرداختن به موضوع سهام عدالت، رویکردی پوپولیستی را در اقتصاد کشور در پیش گرفته است.
۴- جعل اخبار علیه دولت یکی دیگر از شگردهای مخالفان منتقدنمای دولت در حدود چهار سال گذشته بوده است. منتقدان بدون توجه به واقعیت های موجود و به صرف دستیابی به اهداف خود، با توسل به شایعه سازی و دروغ پراکنی درباره عملکرد و سیاست های دولت، اظهارات رییس جمهوری و دیگر دولتمردان، درصدد تخریب دولت یازدهم در افکار عمومی جامعه بودند، بی آنکه به پیامدهای این مساله در کشور بیندیشند.

بار دیگر سرنوشت کشور را به دست جمشید بسم‌الله نمی‌دهیم

حسین آخانی : سه هفته پیش یک گروه۳۰ نفره گردشگر گیاه‌شناس خارجی به ایران آمدند. ماه‌ها قبل از سفرشان با من تماس گرفتند. از آنجایی که من خودم هیچ‌وقت با گردشگران همراه نمی‌شوم، یکی از دانشجویانم را به عنوان راهنمای علمی آنها معرفی کردم. قرار شد روزی صد یورو به دانشجو بدهند. وقتی به ایران آمدند من را به هتل خود دعوت کردند. از قبل گفته بودند که علاقه‌مند به خرید کتاب‌های من هستند. برای اولین‌بار بعد از ۱۲ سال که کتاب‌های گلستان و خلیج فارس را نوشته بودم، حس شادی و افتخار یک اثر علمی در من ایجاد شد. در این مدت صدها جلد کتاب را مجانی به این و آن هدیه داده بودم و نمی‌دانم چند نفر از آنها استفاده کرده‌اند. ولی آن شب علاقه‌مندان صف کشیده بودند تا از من کتاب بخرند. ۳۰ جلد کتاب خریدند! آنها به سفرشان رفتند. آخر هفته به آنها ملحق شدم تا دو روز در پارک ملی گلستان همراهشان شوم. آنها که اغلب بازنشسته بودند و سن بالایی داشتند، با عشق وافری در این دو روز از دیدن و عکس‌برداری از گیاهان و جانوران لذت می‌بردند. وقتی آنها را به دره آلمه بردم و آهوان و قوچ و میش و لاله‌های سرنگون را دیدند؛ گو اینکه دنیا را به آنها داده بودم.

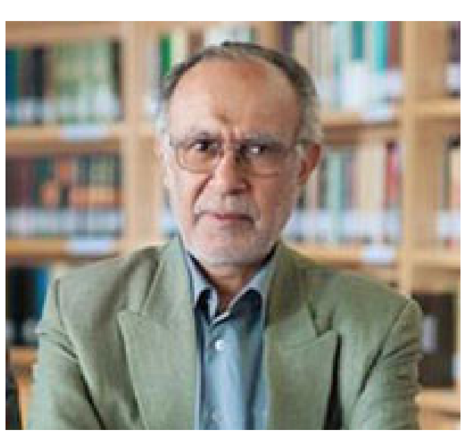




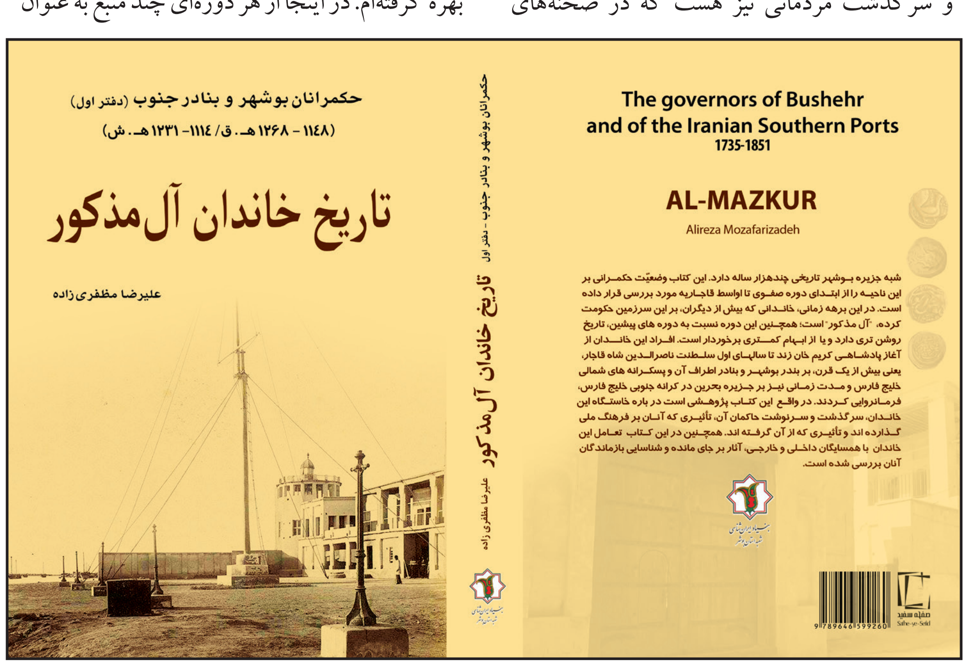
بزرگ‌ترین ناراحتی آنها زباله بود که متأسفانه همه جا پر است و گاهی هم زباله جمع می‌کردند. به من می‌گفتند که چرا جلد دوم کتابت را نمی‌نویسی.
گفتم راستش نوشته‌ام ولی به یک نیروی کاری نیاز دارم که شش ماهی برای من کار کند تا آماده شود، پولش را ندارم. از آنها خجالت کشیدم که بگویم هنوز بعد از ۱۲ سال، کتاب تمام‌رنگی گلاسه که قیمتش فقط ۱۰هزار تومان است، (یعنی پول نصف پیتزا) با وجود هزاران دانشجوی زیست‌شناسی در ایران فروش نرفته است. حاصل همراهی دانشجوی من و فروش کتاب‌های من سر جمع دوهزار و ۴۰۰ یورو – تقریبا ۱۰ میلیون تومان – برای ما داشت. یعنی شش برابر پولی که دانشگاه به هر دانشجوی دکتری برای تحقیقش می‌دهد. یعنی دو برابر گرنت سال گذشته من. یعنی دو سال پول وام یک دانشجوی دکتری.
اما سود این ۳۰ نفر برای اقتصاد ایران چقدر بود. آنها دو هفته در ایران بودند. در این مدت چهار راننده ون و چهار نفر جوان راهنمای تور با آنها بودند. اگر هر کدام شبی ۱۰۰ یورو بابت هتل و خودرو و خوراک و ۱۰۰ یورو هم بابت سایر هزینه‌ها خرج کرده باشند، سر جمع می‌شود ۹۰۰۰۰ یورو. با احتساب هر یور چهار هزار تومان حداقل ۳۶۰ میلیون تومان آورده خالص این توریست‌ها برای اقتصاد ایران بود. اگر خطوط هوایی ما فعال بود، شاید۲۰ تا ۳۰ هزار یورویی هم به جیب شرکت‌های هوایی می‌رفت. می‌دانید این پول چند شغل پاک ایجاد کرده است. چقدر باید آب مصرف کرد تا ۳۶۰ میلیون تومان درآمد ایجاد کرد؟ اگر حقوق یک جوان تازه استخدام شده را ۱٫۵ میلیون فرض کنیم با همین ۳۰ نفری که دو هفته در ایران بودند، می‌شود ۲۴۶ نفر را به مدت یک ماه و ۲۰ نفر را به مدت یک سال سر کار برد. این تنها یک مثال بود. یکی از دوستان فیس‌بوکی من پست زده بود که در سفر هوایی به شیراز اغلب مسافران خارجی بودند. خواهرم رفته بود کرمان و تعجب کرده بود که آنجا پر شده است از توریست‌های خارجی. یک کلبه بومگردی در دو ماه در کلات و قلعه‌گنج کرمان میزبان ۴۷۰ مسافر خارجی و داخلی بوده است.
من نه سیاست‌مدارم و نه برای کسی تبلیغ می‌کنم. اما دولت روحانی با تنش‌زدایی و تصویب برجام بزرگ‌ترین خدمت را در این چهار دهه به ایران کرد. ما برای نجات ایران هیچ راهی نداریم جز آرامش و امنیت و زندگی صلح‌آمیز با مردم جهان. در حالی‌که تمام خاورمیانه در آتش نفرت و برادرکشی می‌سوزد، ایران فرصتی استثنایی دارد برای رشد. برای استفاده درست از ظرفیت‌های گردشگری و تبلیغ فرهنگ ایرانی-اسلامی. فقط حضور توریست‌های خارجی در ایران است که به اقتصاد ما جان می‌دهد. آن کسانی که با رفتار نابهنجار خود باعث می‌شوند تورم بالا رود و با چاپ اسکناس بین مردم پول توزیع می‌کنند، دلشان برای ایران و اشتغال و ازدواج جوانان نسوخته است. کسانی که با تخریب سرزمین ایران برای جمعیت ۸.۷ میلیونی تهران، با فروش آسمان شهر برای ۱۳ میلیون نفر خانه‌سازی می‌کنند، با ایجاد رد پای اکولوژیکی، سرزمین شکننده ایران را ویران می‌کنند. گردوخاک کمترین دستاورد نگاه بتن‌گرایانه سازه‌ای‌هاست. ریزمرگی که به گلوی مردم خوزستان می‌رود، نتیجه ویرانی‌هایی است که نگاه بتن‌گرایانه بعضی با نسخه‌های سدسازی و انتقال آب به ارمغان آورده است. همان‌هایی که آب پنج سد را در تهران مصرف و با سیاست‌های خود شهرها را بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌کنند، دلشان برای اشتغال جوانان نمی‌سوزد. بیشتر این ساخت‌وسازها به دست کارگران زحمتکش افغان صورت می‌گیرد. مهم‌ترین سود این ساخت‌وسازها شده است اشتغال تعدادی جوان در بنگاه‌ها! نگرشی که نتیجه‌اش شده است کوه‌خواری، رودخانه‌خواری، تالاب‌خواری، جنگل‌خواری، جزیره‌خواری، دریاخواری، نفت‌خواری، معدن‌خواری، خاک‌خواری و آب‌خواری. ما باید از فرصت امنیت در ایران استفاده کنیم و به جای بتن‌کاری‌های امثال شهردار تهران، بار دیگر روستاها را با کاهگل بیاراییم. ما باید قنات‌ها را احیا و آنها را محلی برای جذب توریسم بین‌المللی کنیم. ما می‌توانیم با جذب توریست خارجی در کلوت‌های لوت، ریشه قاچاق مواد مخدر را برای همیشه بخشکانیم. سرزمین و مردم سیستان و بلوچستان با فرهنگ غنی یکی از جذاب‌ترین بخش‌های ایران‌زمین هستند که با گسترش توریست می‌توان آنها را از چنگال قاچاقچیان و شیادان شروری مانند ریگی رها کرد. سرزمین بختیاری توانمندی جذب میلیاردها دلار را دارد. ما باید محصولات بومی خود را تولید کنیم نه محصولات آغشته به کود و سمی که هزاران تن آن هر سال به شیرابه‌های سمی در کهریزک تبدیل می‌شود یا مانند پرتغال‌های سال گذشته که به دریا ریخته شد. ما با توسعه توریسم می‌توانیم فرهنگ و تمدن ایران‌زمین را به اقصی‌نقاط دنیا صادر کنیم و ترس و وحشتی را که داعشیان و طالبانیان از مسلمانان درست کرده‌اند، به دوستی و مهربانی تبدیل کنیم. ایرانی اگر هزار عیب داشته باشد، به اذعان همه دوستان خارجی من در میهمان‌نوازی در دنیا لنگه ندارد.
رفاه آن نیست که شما هر روز پول بیشتری به دست آورید و برای ایجاد اشتغال هم لازم نیست ایران را به کارگاه ساختمانی تبدیل کرد. رفاه آن است که شما بتوانید در زندگی خود برنامه‌ریزی کنید و محیط‌زیست سالمی داشته باشد. تنها راه گذر از گردنه سخت بحرانی ایران کاهش تورم، کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت و جذب پول از طریق توریست است. مهم‌ترین شرط موفقیت اقتصاد مقاومتی توانمندی‌سازی بومی است و توسعه توریست بهترین راه آن است. پولی که توریست می‌آورد خوشبختانه به جیب دولت و شهردار نمی‌رود که با آن سد گتوند و پل صدر و برج میلاد بسازند، بلکه به جیب مردمی می‌رود که بیشتر کتاب می‌خوانند تا بتوانند سرزمین خودشان را به جهانیان معرفی کنند.
به همین دلیل من رأی می‌دهم، رأی می‌دهم به آرامش و آشتی با دنیا، به مهار تورم تا من کارمند با حقوق ثابت بتوانم برنامه زندگی خودم را تنظیم کنم. من نمی‌خواهم سرنوشت کشور را کسانی به دست گیرند که عقربه اقتصادشان را جمشید بسم‌الله جابه‌جا می‌کند، کسانی که دانش را به سخره می‌گیرند و با نسخه گدایانه چند شبی کابوس مردم فقیر را با سراب رابین‌هودی خود خوش می‌کنند.
*استاد زیست‌شناسی دانشگاه تهران

حکمرانان بوشهر و بنادر جنوب

علیرضا مظفری زاده



سال‌ها پیش، هنگامی‌که در استانداری بوشهر کار می‌کردم، بنا به علاقهٔ شخصی‌ام درصدد برآمدم تاریخچه‌ای از استانداری بوشهر همراه با اطلاعاتی از استانداران گذشته را به دست آورم. با مراجعه به پرونده‌های موجود در استانداری و همچنین مراجعه به وزارت کشور توانستم آلبومی شامل عکس هر استاندار، حکم استانداری به امضای وزیر وقت کشور به‌اضافهٔ مشخصات مختصری از سوابق هر یک از آنان را، از زمان تشکیل استانداری بوشهر در تابستان سال ۱۳۵۲ تا آن زمان – اواسط دهه هفتاد شمسی – تهیه کنم.
پس از بازنشستگی و اشتغال به کارهای پژوهشی در بنیاد ایران‌شناسی –شعبهٔ بوشهر، ابتدا کتاب خاطراتم را با عنوان « نسیمی از دفتر ایام» که مشتمل بر سرگذشت خودم طی چهل سال گذشته و دربرگیرنده گوشه‌ای از تاریخ سیاسی و اجتماعی بوشهر بود، منتشر نمودم. در این خاطرات به مواردی از ارتباطاتم با چند تن از استانداران بعد از انقلاب اشاره شده است.
در این میان، دوست دانشمند و پرتلاشم آقای سید قاسم یاحسینی که مشوّق کار اوّلم بود باز هم دست‌بردار نبود و با توجه به سابقه کار و آشنایی‌ام با همه استانداران جمهوری اسلامی از بدو انقلاب تا زمان اشتغالم – سال ۱۳۸۴– از من خواست که طرحی تحت عنوان حکمرانان بوشهر و بنادر جنوب را مورد بررسی و مطالعه قرار دهم. همگان واقف‌اند که پرداختن به کارنامه فعالیت‌های استانداران بوشهر در دوره پهلوی و بعد از آن جمهوری اسلامی، وقت و نیروی فراوان می‌برد. با این همه برای اینکه این پژوهش گستره بیشتری بیابد و خوانندگان به ویژه نسل امروز با تاریخ حاکمان و سرگذشت پیشینیان سرزمین خود آشنایی بیشتر پیدا کنند تصمیم گرفتم پایه تحقیق را روی خاندان آل مذکور –خاندان حکومتگر ایرانی عرب تبار که بیش از یک قرن بر این ناحیه فرمانروائی کردند و در واقع بنیانگذار بندر بوشهر کنونی بودند –قرار دهم.
درباره خاندانی که بسیاری از شهروندان – چه رسد به هموطنان – شاید نامی هم از آن نشنیده باشند، پژوهش بسیار سخت و منابع دور از دسترس می‌نمود؛ اما به یاری خداوند توانا توکل کردم و با عشق و علاقه شخصی‌ام دست به‌کار شدم و بیش از چهار سال روی آن وقت گذاشتم. در این تحقیق، اساس کار بر این قرار گرفت که هر آنچه درباره آنان می‌آورم حتی‌المقدور مستند به منابع و مآخذ باشد. در ضمن بررسی حتی به مواردی برخوردم که چون انتسابشان به آل مذکور نادرست می‌نمود از نقلشان خودداری ورزیدم. همچنین بسیار کوشیده‌ام که نسبت به این خاندان خود را در موضع بی‌طرفی قرار دهم و بدون هیچ پیش‌داوری، در کنار نقاط منفی از جنبه‌های مثبت و خدمات آنان نیز یاد کنم. با این همه آنچه فراهم شده همه تاریخ آل مذکور نیست. قطعاً منابع دیگری –مخصوصاً در خارج از کشور –وجود داشته که امکان دسترسی به آن‌ها برایم میسر نگردیده و چه بسا این دوران وقایع فراوانی به خود دیده باشد، که در تاریخ ثبت نشده است و یا اگر ثبت شده به دست ما نرسیده است.
در این پژوهش علاوه بر گفتگوهایم با اشخاص و آگاهان محلی و تحقیقات میدانی و ارتباط با بازماندگان خاندان، بررسی مجله‌های تاریخی- علمی و همچنین پاره‌ای اسناد محلی مرتبط با آل مذکور مطالعه شده و بیش از ۲۰۰ جلد کتاب و منبع تاریخی نیز مورد بررسی قرارگرفته است.
این کتاب، تنها شرح زندگی حاکمانی که بیش از یک قرن بر این اقلیم فرمان راندند نیست، بلکه روایت و سرگذشت مردمانی نیز هست که در صحنه‌های



سختی‌ها و مرارت‌ها یا کامیابی‌ها و پیروزی‌ها حضور داشته‌اند. خواننده بعد از مطالعه کتاب در می‌یابد که رمز ماندگاری بوشهر –این بندر نشسته بر کرانه دریا – در پایداری‌ها و مقاومت‌های مردم این دیار در برابر حملات و ناملایمات نهفته است. آنان نه تنها در مقابل هجوم بیگانه از خود ایستادگی نشان داده‌اند بلکه در برابر خودی‌های متجاوز نیز پایمردی ورزیده‌اند. زندگی حاکمان آل مذکور نیز از این مردم جدا نبوده است. آنان گرچه نقاط ضعف فراوانی داشتند اما جهات قوتی را نیز دارا بودند. نخست اینکه برای رونق و آبادی سرزمین تحت حکمرانی خود – بوشهر – تلاش بسیار نمودند و به جرئت می‌توان گفت: تاریخ آل مذکور برابر است با تاریخ بوشهر نوین و یا به‌عبارت‌دیگر، این دو از هم جداشدنی نیستند. دوم اینکه آنان به عنوان حاکمانی ایرانی و وطن‌پرست، همواره از کیان این مرزوبوم در برابر متجاوزان دفاع می‌کردند، هر چند که گاهی شکست هم می‌خوردند.
از آنجاکه مناسب دیدم پیش از ورود به مبحث خاندان آل مذکور، خواننده را با شمه‌ای از سابقه حکمرانی بر شبه جزیره بوشهر پیش از این خاندان آشنا کنم، لذا خلاصه‌ای از حکومت سلاطین ریشهر در دوره صفوی را به این مجموعه افزودم.
در این پژوهش، تلاش شده تا آنجا که برایم مقدور بوده است، از منابع دست‌اول و یا نزدیک به هر دوران استفاده کنم، هر چند از تحقیقات جدید نیز غافل نبوده‌ام و از آخرین کتاب‌های منتشر شده در این زمینه بهره گرفته‌ام. در اینجا از هر دوره‌ای چند منبع به عنوان نمونه می‌آورم.
دوره صفوی: کتاب‌های تکملهٔ الاخبار نویدی شیرازی، احسن التواریخ روملو، خلاصهٔ التواریخ قاضی قمی و همچنین سفرنامه‌های خارجیان و یا فرستادگان آنان به دربار صفویان مانند سفرنامه آبه کاره و کتاب نخستین فرستادگان پرتغالی به دربار شاه اسماعیل صفوی از رونالدبیشاب.
دوره افشار: تاریخ جهانگشای نادری از میرزا مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) و از خارجی‌ها: سفرنامه ژان اوتر (معاصر نادر)
دوره زند: تاریخ گیتی گشا از موسوی نامی اصفهانی، گلشن مراد از غفاری کاشانی و از خارجی‌ها سفرنامه نیبور و مشاهدات سفر بنگال به ایران از ویلیام فرانکلین.
دوره قاجار: متمم روضهٔ الصفای ناصری از رضاقلی خان هدایت، حقایق الاخبار و نزهت الاخبار هر دو از میرزا جعفر حقایق نگار خورموجی، مرآةالبلدان از اعتماد السلطنهٔ، تاریخ بنادر و جزایر خلیج‌فارس از محمدابراهیم کازرونی (معاصر محمدشاه قاجار)، ناسخ التواریخ از لسان الملک سپهر و تاریخ ذوالقرنین از میرزا فضل‌الله شیرازی متخلص به خاوری. از منابع خارجی: سفرنامه جیمز موریه و سفرنامه هنری لایارد.
باید اضافه کنم که در زمینهٔ تاریخ آل مذکور از کتاب فرهنگ تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس نوشته جان گوردن لوریمر بیشترین استفاده را برده‌ام. متن انگلیسی این کتاب سال‌ها پیش در کشور قطر در ۱۴ جلد به نام «دلیل الخلیج» به زبان عربی برگردانده شده است. لوریمر که مدتی سرکنسول بریتانیا در بوشهر بوده و کتاب خود را یکصد و اندی سال قبل در لندن منتشر کرده به منابع دست‌اول و آرشیوهای دولت بریتانیا دسترسی داشته است. نگارنده از متن عربی بهره گرفته است. تاریخ حوادث و وقایع این کتاب را طبق روال معمول تاریخ‌نگاری پیش از دوره پهلوی، به سال هجری قمری و معادل میلادی آن آورده‌ام و تنها در مواردی خاص و یا دوران متأخر، تاریخ هجری شمسی به کار رفته است.
آنچه در این کتاب تقدیم می‌شود دفتر اول از یک مجموعه و به مثابه گامی کوچک برای شناساندن تاریخ حکمرانی بر این منطقه است. امیدوارم خداوند متعال توفیق عنایت فرماید تا بتوانم دفترهای بعدی شامل «حکمرانان بوشهر و بنادر جنوب در دوره قاجاریه» و «حکمرانان و استانداران در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی» را نیز تدوین کنم و به دست دوستداران تاریخ و فرهنگ این مرزوبوم بسپارم.
نوشته‌های این کتاب قبل از انتشار برای مطالعه و اظهارنظر در اختیار استادان گرامی آقایان: عبدالحسین کنین، دکتر عبدالکریم مشایخی، دکتر غلامحسین نظامی و سیّد قاسم یاحسینی قرار گرفت و از نظرات آنان بهره‌مند گردیدم. از همه این عزیزان به خاطر وقتی‌که گذاشتند و زحمتی که کشیدند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. از آقای دکتر مصطفی باباخانی نیز که ضمن ویراستاری کتاب، نکات ادبی مهمی را یادآور شدند تشکر می کنم.

مظلومترین دولت تاریخ



مازیار اوستا: به جرأت می توان دولت روحانی را مظلوم ترین دولت تاریخ ایران دانست، این حرف نه ادعا است نه بزرگ نمایی؛
زیرا؛ دکتر روحانی، مانند آیت الله هاشمی (ره)، دولت را بعد از جنگ تحویل نگرفت، تا بگوییم کشور ویرانه ای است و نباید انتظار زیادی از او داشت، البته آثار مخرب دولت های نهم و دهم کمتر از جنگ نبود و حتی چند برابر جنگ هشت ساله بود، زیرا؛ اگر جنگ ویرانه های ساختمانی برجا گذاشته، آن هم در برخی شهرهای مرزی، دولت احمدی سیستم مدیریتی کل کشور را با ایحاد اختلاف، بی برنامگی، ولنگاری و ... ویران کرد.
دکتر روحانی مانند آیت الله هاشمی زمانی به ریاست جمهوری نرسیده بود که هرکس با کمترین تجربه اجرایی و مدیریتی ادعای ریاست جمهوری داشته باشد!! کسانی که حتی جمع و تفریق بلد نیستند و فکر می کنند در چهار سال می توان درآمد مردم را دو و نیم برابر کرد! یعنی رشد اقتصادی ۳۰ درصدی! یاکسانی که فکر می کنند انگلیس در غرب آفریقاست، یا بعد از ریاست جمهوری و سفرهای استانی فهمیدند ایران کشور بزرگی است!!
- رقبای آیت الله هاشمی کسانی نبودند که فکر کنند با دادن غذا به مردم می توان عدم سابقه اجرایی و مدیریتی خود را پنهان کرد!!
- دکتر روحانی زمانی رییس جمهور شدند که همه مدعی هستند، مدعیانی بدون سابقه روشن! مدعیانی که در دولت آیت الله هاشمی به فرمانداری یک شهرستان کوچک یا بخش داری راضی بودند!
درست همان زمانی که دکتر روحانی از چهره های شاخص مجلس و نظام جمهوری اسلامی بودند!
دولت روحانی شرایط دولت اصلاحات را هم ندارد،
- در دولت خاتمی اعضای کابینه هر کدام در حد و اندازه یک رییس جمهور بودند و در دفاع از دولت مردانه ایستاده و مثل اعضای کابینه روحانی ساکت نبودند، تا تنها مدافع دولت رییس جمهور و معاونش باشد.
- خاتمی زمانی دولت را تحویل گرفت که پیش از او دولتی ویرانگر بر سر کار نیامده بود تا کشور را به انزوای سیاسی و فروپاشی اقتصادی کشانده باشد.
- در دولت خاتمی رسانه ها و احزاب مردانه از دولت و شعارهایش حمایت و دفاع می کردند و مانند الان دولت بی رسانه نبود! رسانه های اندک حامی دولت و احزاب هم چنین مصلحت اندیش و ساکت نشده نبودند.



عکس : محمد برنو

روحانی مظلوم است، زیرا؛ دولت را از خاتمی تحویل نگرفت که تورم ۱۱ درصد باشد، صندوق ذخیره بیش از ۱۸ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشته باشد، عسلویه و پارس جنوبی احداث و در مرحله بهره برداری باشد.
- دولت روحانی مظلوم است، زیرا در زمان او قیمت نفت بشکه ای بیش از ۱۵۰ دلار نبود.
- روحانی وارث دولتی است که با درآمد افسانه ای ۸۰۰ میلیارد دلار، بدهکارترین دولت را تحویل داد.
- وارث دولتی که هشت سال تمام پروژه های عمرانی را تعطیل کرد.
- روحانی وارث دولتی است که پروژه مسکن مهر را بدون کارشناسی و پیشرفت چندان، در دامن دولت بعدی انداخت. پروژه ای که هم ادامه آن و هم تعطیلی آن به ضرر دولت و ملت است.
- روحانی وارث دولتی است که تحریم را نعمت و قطعنامه را بدون توجه به عواقب آن کاغذ پاره می دانست.
- روحانی وارث دولتی است که کشور و مدیران و سیاسیون را در شدیدترین اختلاف بعد از انقلاب فرو برده بود، اختلافاتی که برای کشور هزینه ای کمتر از جنگ نداشت.
روحانی بسیار مظلوم است، زیرا که نه رسانه دارد و نه حتی رسانه های تحت اختیار دولت بصورت کامل و صادقانه خدمات دولت را تبلیغ و از او دفاع می کنند.
- روحانی مظلوم است زیرا حامیان اصلی او یا ممنوع التصویر هستند و یا تریبون و رسانه ای برای دفاع از او ندارند.
- روحانی مظلوم است، زیرا تمام تریبون داران، اصحاب رسانه و... منتقد او شده و حتی برخی به تخریبش مشغول هستند، کسانی منتقد دولت شده اند که مهمترین خصیصه منصبی که دارند عدم دخالت در سیاست است، اما بیشترین سخنانشان موضع گیری سیاسی علیه دولت می باشد. و در این بلوا تنها اتکاء دولت تدبیر و امید اول خداست، دوم مردم، البته مردمی که خود نیز چون او مظلوم اند.
- روحانی چنان مظلوم است که حتی دوستدارانش جرأت دفاع از او را ندارند. در حالی که هواداران رقبا در حمله به روحانی هیچ محدودیتی نداشته و هیچ حدود اخلاقی را رعایت نمی کنند.
روحانی مظلوم است، پس به توصیه سید اصلاحات: "این دولت مظلوم را یاری کنیم"

تیک اف، عجیب و عمیق



بهنوش بختیاری: تیک اف فیلم بسیار عجیب و عمیق و درستیه.... فیلم خاص و واقعا متفاوت... احسان عبدی پور اصلاً مگه میتونه بد بسازه...؟ شاید دیگه زمانش رسیده که از فیلمهایی که روی ما و زندگیمون تأثیر میذارن حمایت کنیم... نه فیلمایی که جوک های تلگرام رو دیالوگ بازیگران میکنن... فرهنگ یعنی همین.. دیدن این فیلمها ... و باز دیدنشون ... و توصیه به عزیزانت که ببین... تفکرت عوض میشه... و مهتاب بانوی کرامتی من ... که یکی از سرمایه گذاران فیلم است و به امید خدا زود زود تهیه کننده درجه یک سینمای ما خواهند بود... شاخص و درخشان... نشأت گرفته از قلب طلاییش و روح پرتلاطمش ... و رضا یزدانی و پگاه آهنگرانی و مصطفی زمانی ... که ترکوندن... امیدوارم این فیلم موفق بشه که بفهمیم نه... مثل اینکه دید مردم ما بازتر شد................. تیک اف روایت قصه ای است از آخرین سال ها و چکه های باقی مانده از جوانی، شیرزاد که از پنج سال زندگی روی اقیانوس و در کابین کشتی ها بر می گردد و در خلوت پایان یک جشن شبانه با رفیق های قدیمی اش، ناگهان زندگی او و چهار دختر و پسر، به سمت غریبی سر کج می کند. شوخی شوخی و بازی بازی، هر پنج تایشان راه می افتند به قتل عام عقده های چند ساله و کام گرفتن از زندگی و جوانی.
در این فیلم مصطفی زمانی، پگاه آهنگرانی، رضا یزدانی، سوگل قلاتیان و حمزه مقدم به ایفای نقش پرداختند.
پخش فیلم سینمایی تیک اف برعهده بامداد فیلم است.
عوامل فیلم سینمایی تیک اف عبارتند از: تهیه کننده: طهورا ابوالقاسمی، نویسنده و کارگردان: احسان عبدی پور، مدیر فیلمبرداری: ساعد نیک ذات، تدوین: سپیده عبدالوهاب، طراح و چهره پرداز: سودابه خسروی، صدابرداران: جهانگیر میرشکاری، مهدی ابراهیم زاده، طراحی و ترکیب صدا: حسین ابوالصدق، خواننده: رضا یزدانی، موسیقی: محسن شریفیان، بابک شهرکی، جلوه های بصری: شهاب الدین نجفی، استودیو روشنا، عکاس: سید عبدالحسین نواب موسوی، مدیر تولید: سمیرا علایی، منشی صحنه: آذر تجلی، مدیر تبلیغات: میثم میرزایی، مشاور رسانه ای: نگین موسوی، سرمایه گذاران: بیمه رازی، مهتاب کرامتی

واقع گرایی، عوام گرایی و تخیل گرایی در انتخابات

علی میرزاخانی: جریان‌های انتخاباتی معمولا در سه گروه واقع گرایی، تخیل گرایی و عوام گرایی قابل شناسایی هستند. تصمیم صحیح مردم در انتخابات بدون شناخت این سه جریان، تقریبا غیرممکن است. در عین حال، حتی در صورت تشخیص جریان واقع گرا از دو جریان مخرب دیگر، چنانچه مردم با راهکارهای واقع گرایان برای مشکلات کشور ارتباط برقرار نکنند در دام تخیل گرایان یا عوام گرایان خواهند افتاد. حال سؤال این است که این سه جریان، چگونه قابل شناسایی هستند؟
فرض بر این است که مردم، مطالبات مشخصی از رئیس‌جمهور آینده دارند که این مطالبات را در دو محور کلی «دولت کارآمد» و «عدالت» می‌توان خلاصه کرد. رأی‌دهندگان خواستار تشکیل دولتی کارآمد هستند که بتواند از ثبات قیمت‌ها محافظت کند، فرصت‌های شغلی را افزایش دهد، نرخ رشد اقتصادی را بالا ببرد و نهایتا سطح رفاه همه ایرانیان یا درآمد سرانه را بهبود بخشد. همزمان، دولت باید برنامه دقیقی داشته باشد که بتواند ریشه‌های تبعیض بین شهروندان ایرانی را بخشکاند، سازوکاری ایجاد کند که مواهب ملی اعم از بهداشت، آموزش، خدمات حقوقی، خدمات ایمنی و امنیتی و سایر خدمات ملی به صورت عادلانه‌ای بین آحاد مختلف مردم توزیع شود و بی‌عدالتی‌های موجود در توزیع این امکانات و تخصیص سایر منابع ملی از بین برود. اما مشکل رأی‌دهندگان آن است که همه کاندیداهای ریاست‌جمهوری، مطالبات فوق‌الذکر را به عنوان شعار دولت خود اعلام می‌کنند! به همین دلیل، پرسش دقیق‌تر آن است که کدام کاندیدا در پیگیری این اهداف صادق‌تر است و راهکارهای صحیح‌تر و تضمین‌شده‌تری را برای وصول مطالبات مردم در دستور کار دارد؟
پاسخ به پرسش فوق در گرو تحلیل کارنامه گذشته کاندیداها و نیز تجزیه و تحلیل برنامه آنها از زاویه «تناسب راهکارها با اهداف» است. در فرآیند دستیابی به پاسخ این پرسش است که می‌توان سه جریان متفاوت انتخاباتی یعنی تخیل گرایی، عوام گرایی و واقع گرایی را شناسایی و از هم تفکیک کرد. البته وجود این سه جریان متفاوت، لزوما به مفهوم آن نیست که هرکدام از این نگاه‌ها در جناح سیاسی خاص یا کاندیدای خاصی تبلور پیدا می کند؛ چرا که چندان بعید نیست کاندیداهای دو جریان به ظاهر رقیب؛ هر دو تخیل گرا یا عوام گرا باشند. یک معیار کاملا مشخص برای تفکیک این سه جریان از یکدیگر، تعریف «واقع گرایی» است. منطق علمی، نگاهی را «واقع گرایانه» توصیف می کند که در این نگاه، تناسب علمی بین «اهداف» و «راهکارهای اعلام‌شده برای رسیدن به این اهداف» وجود داشته باشد. بنابراین اگر جریانی نتواند برای رسیدن به اهداف اعلام شده خود، راهکارها و روش‌هایی را براساس یافته‌های علمی و تجربیات موفق کشورهای دیگر ارائه کند، این جریان را نمی‌توان «واقع گرا» معرفی کرد و قطعا ذیل یکی از دو جریان تخیل گرا یا عوام گرا جای خواهد گرفت.
تخیل گرایان برعکس عوام گرایان، راهکارهایی برای حل مسائل اقتصادی کشور ارائه می کنند اما این راهکارها تناسبی با اهداف اعلام شده ندارند و بر مبنای تخیلات غیرعلمی تدوین شده‌اند که قابل فهم برای گروه‌های مرجع دارای مقبولیت بین عامه مردم است. به عبارت روشن‌تر، مخاطبان اصلی تخیل گرایان معمولا اقشار خاصی از نخبگان جامعه به ویژه در حوزه‌های فنی و روشنفکری هستند که درک صحیحی از سازوکارهای پیچیده اقتصادی ندارند ولی واسطه خوبی برای اقناع عامه مردم به نفع کاندیدای تخیل گرا محسوب می شوند.
در سوی دیگر، کاندیدا یا جریان عوام گرا معمولا اهداف کاملا مشخصی را براساس درک خود از مطالبات مردم تعریف کرده ولی هیچ راهکاری برای رسیدن به این اهداف نمی کند و صرفا با هدف سوار شدن بر موج احساسات عمومی تلاش می کند افرادی را به عنوان مانع تحقق اهداف اعلام شده معرفی کند. این جریان وعده می‌دهد که با پایین کشیدن صاحبان نفوذ، مردم را به رؤیاهای اقتصادی خود خواهد رساند و به همین دلیل ذیل عنوان پوپولیسم یا عوام گرایی تعریف می شود. عوام گرایی در اکثر انتخابات‌ها کاندیدای خاص خود را داشته است که عدم حل مشکلات را به مافیاهای توهمی یا افراد خاص پیوند می‌زند و به مردم وعده می‌دهد که با شکستن این بت‌ها، مشکلات خودبخود حل خواهد شد ولی هیچ راهکاری برای حل مشکلات ارایه نمی‌کند. عامه مردم معمولا اقبال وسیعی به عوام گرایی دارند اما بزرگترین بازندگان پیروزی آن به شمار می‌آیند.

برجام در مناظره و واقعیت های ناگفته



انطباق برجام با اصول عزت، حکمت و مصلحت و دستاوردهای آن از برجسته ترین بخش های کارنامه و نقاط قوت دولت یازدهم به شمار می آید؛ نقطه ای که روز گذشته (جمعه) از سوی نامزدهای رقیب در مناظره تلویزیونی مورد نقد و حمله قرار گرفت.
به گزارش گروه پژوهش و تحلیل خبری ایرنا، توافق هسته ای ایران و شش قدرت جهانی دیروز از مهمترین موضوع های بحث، نقد، تبیین کارکردها و رویکرد نامزدها برای اجرای تعهدات و پیگیری مطالبات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در مناظره دوم انتخابات ۹۶ بود.
در این مناظره همچنان که پیش بینی می شد منتقدان و رقیبان روی کاستی های برجام و اجرای آن انگشت نهادند و در برابر، رییس و معاون اول دولت یازدهم به دفاع از توافق هسته ای پرداختند. برجام به عنوان مهمترین رخداد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دهه گذشته، نه تنها در مناظره دیروز که حتی پیش از شکل گیری آن موضوع بحث و حتی مجادلاتی جدی بین طرفداران و مخالفان توافق هسته ای قرار گرفته و دیدگاه های گوناگون و نیز متغیری در قبال آن مطرح شده است.
در میان نامزدهای انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری نیز دیدگاه های متفاوتی درباره برجام بیان شد. در برابر تبیین کارکردهای عینی برجام از سوی رییس و معاون اول دولت یازدهم، یکی از نامزدها برجام را توافقی دانست که سبب بی توجهی دولت به دیگر حوزه های روابط خارجی به ویژه منطقه ای شده و دیگری آن را فاقد ضمانت معتبر برای نقد شدن به عنوان یک «چک» بین المللی خواند. در مجموع نیز نامزدهای رقیب برجام را توافقی بدون دستاورد برای کشور دانسته و دولت را ناتوان در تحقق وعده های برجامی معرفی کردند.
درباره آنچه در مناظره دیروز بیان شد یا ناگفته ماند چند نکته لازم به بیان است؛
۱- یکی از مهمترین نکاتی که حول محور بحث های برجامی در مناظره روز گذشته مشخص شد، پایبندی همه نامزدها به توافق جهانی برجام به عنوان سندی ملی است که جمهوری اسلامی ایران تعهد خود را به آن اعلام داشته است. در این میان، حتی نامزدهایی که در جریان مذاکرات هسته ای و پس از آن دستیابی به توافق و در مراحل تصویب و اجرا انتقاداتی جدی را متوجه برجام ساختند، از ضرورت پایبندی کامل به مفاد تعهدات ایران و همچنین پیگیری حقوق مصرح کشور از طریق این سند بین المللی سخن گفتند.
۲- از دید رقیبان، برجام توافقی است که نه از سر عزت و مقتدرانه بلکه بر پایه رویکردی ملتمسانه و همراه با ضعف صورت گرفته است. نگاهی به سیر مذاکرات هسته ای تا پیش از روی کار آمدن دولت یازدهم یادآور این واقعیت است که طرف های گفت وگو با ایران، توقف کامل برنامه های هسته ای کشورمان را هدف قطعی خود قرار داده و سخنی از به رسمیت شناختن حقوق هسته ای ایران در میان نبود.
پس از انتخابات سال ۹۲ و پیام روشن مردم ایران به جهان بود که این گفت وگوها در فضایی تازه و با ابتکار و هوشمندی دیپلمات های جمهوری اسلامی ایران به ثمر نشست و ضمن تثبیت حقوق ملت و کشور، ساختار تحریم های هسته ای با ضمانت قطعنامه شورای امنیت فروپاشید. حال این پرسش مطرح است چگونه سندی که به پشتوانه خواست ملت تنظیم شده، کلیات و جزییات آن به تصویب نمایندگان مردم رسیده و فرمان۹ماده ای مقام معظم رهبری را مبنای اجرای خود می بیند می تواند به دور از عزت، حکمت و مصلحت باشد.
۳- یکی از انتقادات طرح شده در زمینه برجام و به ویژه روند مذاکرات، آشکارسازی ضعف های کشور از جمله خالی بودن خزانه بود. به ادعای منتقدان، بیان ضعف های کشور در جریان گفت وگوها سبب گستاخی و زیاده خواهی ۱+۵ و زمینه ساز کسب امتیازات بسیاری از ایران شد. نکته نخست اینکه بسیاری از کشورهای غربی با رصد اوضاع ایران پس از چند سال رکود، افت ارزش پول ملی، کاهش شدید صادرات نفت و ... اشرافی دقیق تر و نگاهی واقع بینانه تر از برخی منتقدان به مجموعه شرایط اقتصادی ایران داشته و با اطلاع از کاستی ها و نقاط قوت جمهوری اسلامی، نمایندگان خود را پای میز مذاکره فرستادند.
اتهام زنی به دولت در زمینه بیان نقاط ضعف در شرایطی صورت می گیرد که چندی پیش وزیر اطلاعات از کاهش چشمگیر ذخیره کیک زرد و خوراک اصلی تاسیسات هسته ای در جریان مذاکرات خبر داد و اعلام کرد دیپلمات های کشور در شرایطی پای میز مذاکره حاضر شدند که تاسیسات هسته ای بر اثر تنگناهای پیش رو و به رغم موضع گیری های نمایشی دولت پیشین، روندی رو به تعطیلی را می پیمود.
مساله دیگر اینکه کتمان حقایق، پوشاندن واقعیت ها و نداشتن صداقت با مردم در زمینه مشکلات کشور خود یکی از انتقاداتی است که رقیبان بارها متوجه دولت ساخته اند و حال بر مبنای رویکرد یک بام و دوهوای خود دولت را هدف اتهام خودزنی و آشکارسازی نقاط ضعف در برابر بیگانگان قرار داده اند.
۳- برجام هر آنچه را طی سال های اخیر بر اثر اختلافات هسته ای ایران با ۱+۵ بر کشور تحمیل شده بود از میان برداشت. جمهوری اسلامی ایران از سال های ابتدای پیروزی انقلاب با شدیدترین تحریم ها روبرو بوده است. اما ممنوعیت و محدودیت های هسته ای که به واسطه قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت از سال ۱۳۸۵ پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و در قطعنامه ۱۹۲۹ این شورا در سال ۸۹ به اوج رسید، سنگین ترین موانع را پیش روی کشور ایجاد کرد.
نتیجه این تحریم ها در افت شدید فروش اصلی ترین منبع درآمد کشور یعنی نفت نمایان شد به شکلی که با ادامه تحریم های هسته ای، درآمد نفتی ایران به یک دهم میزان کنونی می رسید؛ درآمدی که سال ها بخش قابل توجهی از آن هم در مسیر دور زدن تحریم ها و سپردن نفت به دست دلال های داخلی و خارجی از دست رفت و گسترش لجام گسیخته فساد و فقر در صورت محقق نشدن برجام محتمل ترین چشم انداز پیش رو بود.
۴- برجام افزون بر ترمیم آسیب های وارد آمده بر کشور، ایران را باز هم در مسیر توسعه قرار داد به طوری که دانش هسته ای کشور نزد جامعه جهانی و قدرت های آن هدفی برای نابودی نیست و اینک مبنایی برای جلب سرمایه خارجی و گسترش همکاری های فنی و علمی با روسیه و کشورهای اروپایی قرار گرفته است. به واسطه رفع تحریم های گوناگون است که ملزومات راه اندازی خطوط تولید جدید و پروژه های ملی در حوزه های نفت، پتروشیمی، صنعت و ... در دسترس قرار گرفته است.
در نهایت اینکه برجام به عنوان سندی ملی و بین المللی و توافقی از سر عزت و بر مبنای مصلحت نظام بود که با هدایت حکیمانه رهبری صورت گرفت و اکنون خود ضمانتی برای پیگیری حقوق ایران در عرصه جهانی است.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



محمد دادفر:

ارتقای جایگاه بین المللی ایران مهم ترین موفقیت دولت تدبیر و امید است



یک فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: مهم ترین موفقیت دولت تدبیر و امید ارتقای جایگاه بین المللی ایران است.

به گزارش ایرنا، محمد دادفر در آئین افتتاح ستاد انتخاباتی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی منطقه بوشهر افزود: ایران مسیر پیشرفت خود در این عرصه را نیز آغاز کرده ولی با این وجود برخی کاندیداهای این دوره می خواهند ایران را به عقب ببرند. وی ادامه داد: حال باید برای تداوم عقلانیت و ترویج امید و همچنین فراهم کردن زمینه پیشرفت ایران اسلامی مردم باید بار دیگر به انتخاب حجت السلام حسن روحانی اهتمام بورزند.

وی اضافه کرد: ایران طی چهار سال گذشته با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید یک حرکت رو به جلو را آغاز کرده و طی این مدت گرچه ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده ولی با این حال ادعای پیشرفت اقتصادی را ندارد. وی بیان کرد: این در حالی است که در مجموع دولت های نهم و دهم تنها ۵۰۰ هزار شغل در سطح کشور ایجاد شد. نماینده مردم بوشهر در مجلس ششم شورای اسلامی با اشاره به اینکه پس از گذشت ۳۸ سال از انقلاب برخی از کاندیداهای ریاست جمهوری به عوام فریبی روی آورده اند گفت: حال آنهایی که در طول هشت سال تنها ۵۰۰ هزار شغل ایجاد کردند امروز می خواهند برای پنج تا شش میلیون نفر اشتغال ایجاد کنند.

وی افزود: وقتی هدف درافتادن با منطقه و ممانعت از ورود سرمایه خارجی به کشور باشد قادر به ایجاد اشتغال چشمگیری نخواهیم بود. وی در ارتباط با حزب اتحاد ملت ایران اسلامی نیز گفت: این حزب با وجود اینکه حزبی نوپاست ولی از پشتوانه ای بسیار غنی برخوردار است و یکی از ویژگی های برجسته آن نزدیکی آن به رئیس جمهور دولت اصلاحات است.

دادفر با اشاره به اینکه رئیس جمهور دولت اصلاحات امروز در کنار روحانی قرار دارد اظهار کرد: اعتقاد زیادی به سیاست ورزی به شیوه رئیس جمهوری دولت اصلاحات داریم و بدون شک آیندگان نیز به تحسین وی خواهند پرداخت.

چند پرسش ساده ی حقوقی در مقابل سامانه کارانه قالیباف

دکتر ندا کردونی، دکترای حقوق؛ در خصوص سامانه ملی کارانه که توسط دکتر قالیباف راه اندازی شده است نوشته اند:

خبر کوتاه است. سامانه ملی کارانه راه اندازی شد. خبری که چند پرسش ساده ی حقوقی مطرح می کند:

متصدی امور ملی در یک واحد جغرافیایی که نام "سرزمین" را یدک می کشد، کیست؟ آیا می توان امر ملی مانند پرداخت مستمری و امثالهم را بدون طی مراحل قانونی عملیاتی کرد؟

پرسش دوم اینکه عمر یک دولت بر اساس قانون



اساسی جمهوری اسلامی چه زمانی آغاز و چه زمانی به پایان می رسد؟ آیا عمر دولت یازدهم دو هفته پیش از انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسیده است که یکی از کاندیداهای محترم سایتی را که نام ملی را بر خود دارد راه اندازی می کند؟ چگونه می شود که یک امر کاملا حاکمیتی را در زمانی که یک دولت مستقر هنوز مشغول کار است، یک شخص حقیقی یا هر نهاد دیگری بدون مبنایی قانونی صورت دهد؟ تأسیس سامانه ملی کارانه با چاپ غیرقانونی پول و ضرب سکه که بر اساس قانون مجازات اسلامی جرم است چه تفاوتی دارد؟ آیا سازندگان محترم به دنبال آن هستند تا حق قانونی مقدمی برای ثبت نام کنندگان ایجاد کنند؟ مشروعیت این ایجاد حق را از چه نهاد قانونی و یا حتی شرعی کسب نموده اند؟

منبع: خبرگزاری ایلنا

استاندار بوشهر:

طرح امید اجتماعی استان بوشهر به عنوان تجربه موفق، در کشور اجرا می‌شود



استاندار بوشهر گفت: طرح امید اجتماعی استان بوشهر که آثار و برکات مهمی در پی داشته به عنوان یک تجربه موفق، به دستور وزیر کشور برای اجراء به سایر استان‌ها ابلاغ و در کل کشور به اجرا در خواهد آمد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در جلسه ستاد ساماندهی امور جوانان با بیان اینکه حل مشکلات جوانان و تأمین مطالبات آنان از اولویت‌های استان بوشهر است اظهار داشت: باید در این استان به منابع انسانی و توانمندسازی جوانان توجه ویژه شود.

وی با تأکید بر توجه به مهارت‌افزایی جوانان در بخش‌های مختلف فنی و حرفه‌ای افزود: طرح‌های آموزش مهارت‌افزایی در حوزه نیروگاه اتمی و پارس جنوبی و توانمندسازی جوانان در این عرصه‌ها در اولویت قرار گرفته است.

استاندار بوشهر با بیان اینکه در دولت تدبیر و امید به آموزش عمومی دانش آموزان استان بوشهر برای موفقیت در کنکور توجه ویژه ای شده است، خاطرنشان کرد: تقویت مراکز آموزش عالی، آموزش و پرورش، آموزش‌های عمومی و مهارتی نقش مهمی در توانمندسازی دانشجویان و دانش‌آموزان دارد.



دکتر سالاری با تأکید بر حمایت از خلاقیت و نوآوری‌های جوانان تصریح کرد: حمایت از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های جوانان نه تنها توانمندسازی این قشر را در پی دارد بلکه سبب پیشرفت و ارتقاء جامعه می‌شود.

وی، با اشاره به بهره جستن از فضای مجازی برای تولید محتوا گفت: از فرهنگ و هنر و توانمندی جوانان برای فضای مجازی باید تولید محتوای لازم صورت بگیرد.

استاندار بوشهر، با بیان اینکه در بخش مدرسه سازی، استان بوشهر در کشور برتر است افزود: هر چند در مدرسه‌سازی در کشور جایگاه برتری نصیب استان بوشهر شده ولی باید در کنار مدرسه سازی توجه ویژه‌ای به وضعیت آموزش دانش آموزان نیز شود.

دکتر سالاری با تأکید بر نقش مهم سازمان‌های مردم نهاد در حل بسیاری از مشکلات جامعه گفت: حمایت و توسعه سازمان‌های مردم نهاد در اولویت برنامه‌های استان بوشهر است که در این راستا طرح امید اجتماعی در زمینه توانمندسازی جوانان و آموزش مهارت های شهروندی، از طرح های ابتکاری استان بوشهر، اجرا و موفق عمل کرده است.

وی با بیان اینکه اجرای طرح‌های امید اجتماعی در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی با استقبال شهروندان روبرو شده است، خاطرنشان کرد: اجرای این طرح که در حوزه‌های مختلف اثرگذار است، توانسته توجه جوانان را به مشارکت بیشتر در جامعه و ارتقای سرمایه اجتماعی بیانجامد.

استاندار بوشهر با تأکید بر ادامه اجرای طرح امید اجتماعی افزود: این طرح امسال با تلاش بیشتری در سطح استان بوشهر ادامه یابد چرا که اثرات این طرح در جامعه ماندگار است.

دکتر سالاری با بیان اینکه طرح امید اجتماعی استان بوشهر در سایر استان‌ها اجرا می‌شود گفت: طرح امید اجتماعی استان بوشهر که آثار و برکات مهمی در پی داشته به عنوان یک تجربه موفق، به دستور وزیر کشور برای اجراء به سایر استان‌ها ابلاغ و در کل کشور به اجرا درخواهد آمد.

وی با قدردانی از تلاش‌های سازمان مردم نهاد در بخش‌های مختلف گفت: این نهادهای مردمی انتظار مالی ندارند بلکه با تلاش شبانه‌روزی مسئولیت اجتماعی و دغدغه رفع آسیب‌های اجتماعی دارند که امیدواریم با حمایت دستگاه‌ها بتوان در رفع ناهنجاری‌های اجتماعی گام‌های موثری برداشته شود.

معاون سیاسی امنیتی استاندار بوشهر:

ظرفیت های مردمی در کاهش‌های آسیب‌های اجتماعی بکار برده شود



photo : Seyed Khalaf

معاون سیاسی امنیتی استاندار بوشهر گفت: باید از ظرفیت های مردمی و سازمان های مردم نهاد در کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده شود.

به گزارش اداره کل امور اجتماعی استانداری بوشهر، عبدالکریم گراوند با تبریک اعیاد شعبانیه در طرح ملی توان افزایی و ارتقای تاب آوری اجتماعی زنان در بوشهر اظهار داشت: پرداختن به حوزه اجتماعی و رفع مشکلات این بخش در یک مقطع مورد غفلت قرار گرفت که با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در این راستا گام های اساسی برداشته شده است.

وی افزود: توجه دولت تدبیر و امید به مقوله اجتماعی و آسیب ها به گونه ای بوده که تمامی اعتبارات این بخش در سطح ملی و استانی به صورت کامل تخصیص یافته است.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر تصریح کرد: با توجه به اینکه طرح ملی توان افزایی و ارتقای تاب آوری اجتماعی زنان در مجامع بین المللی مورد استفاده و بررسی قرار گرفته می تواند برای ارتقای توانمندسازی بانوان مؤثر واقع گردد.

گراوند خاطرنشان کرد: در طی دو سال اخیر طرح های متنوع و کاربردی امید اجتماعی و آسیب های اجتماعی که مکمل هم هستند با ابتکار استاندار بوشهر در سطح استان اجرا شده و اخیرا طرح نشاط اجتماعی نیز با استفاده از ظرفیت سازمان های مردم نهاد براساس تقویم ملی و مذهبی در دست اجرا است.

معاون استاندار گفت: تاکنون دولت ها نتوانسته اند به تنهایی در راستای کاهش آسیب های اجتماعی اثرگذار باشند و باید از ظرفیت های مردمی و سازمان های مردم نهاد استفاده شود.

دانشگاه خلیج فارس به جمع دانشگاه‌های برتر دنیا پیوست

براساس اعلام پژوهشگاه علوم منطقه ای جهان اسلام دانشگاه خلیج فارس در جمع دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های یک درصد برتر دنیا پذیرفته شد.

بر اساس گزارش پژوهشگاه علوم منطقه‌ای جهان اسلام (ISC) و به استناد اطلاعات پایگاه شاخص‌های اساسی علمی (ISI-ESI)، دانشگاه خلیج فارس به جمع ۱یک درصد دانشگاه‌های برتر جهان پیوست.

بر پایه این گزارش دانشگاه خلیج فارس با ثبت ۹۵۴ مدرک بین المللی و ۹۳۱۰ استناد ضمن پیوستن به جمع یک درصد دانشگاه‌های مؤثر و برتر جهان در بین دانشگاه‌های جامع کشور نیز به لحاظ کیفیت و کمیت تولید علم به ترتیب رتبه‌های دوم و هجدهم را کسب کرده است.



نمونه تأثیر برجام در پارس جنوبی

به عنوان عضوی کوچک در مجتمع های نفت و گاز خدمت شما عرض کنم که روحانی در مناظره دوم، به نکته ای ظریف در مورد یکی از تجهیزات مهم بنام کمپرسور یا به نوعی دیگر قلب پالایشگاه اشاره کرد که در صورت نبود این تجهیز عملا پالایشگاه فلج می باشد. این تجهیز گران قیمت در دوره ی سید محمد خاتمی از شرکت زیمنس آلمان خریداری شده بود ولی بخاطر تحریم در اسکله دبی توقیف و مجوز ورود به اسکله ی عسلویه داده نمی شد و پالایشگاه نهم بزرگترین پالایشگاه گازی خاورمیانه با این همه تجهیز گران قیمت چیزی معادل ۷ میلیارد دلار که هر ساله در باد و باران فرسوده می شد ولی بخاطر عدم وجود کمپرسور این پالایشگاه با این همه هزینه ی بیت المال معلق مانده بود. و آقایان هم هر روز پشت تریبون تحریم را کاغذ پاره می پنداشتند...

تا اینکه روز بعد از برجام کمپرسورها وارد اسکله ی عسلویه شد و پالایشگاه نهم با روزانه تولید ۸۰ میلیون مترمکعب گاز وارد خط تولید شد... آیا این نشانه ی رفع تحریم نبود؟ یا اینکه بعضی از افراد هنوز چشمانشان بر روی حقیقت می بندند و برای نشستن بر کرسی دنیوی از هیچ دروغ و توهینی دریغ نمی کنند. مردم شریف نگذارید تا به روزهای خفت بار که حتی تصور آن هم دیگر سخت هست برگردیم...

مهندس نعمتی- مدیر پالایشگاه نهم- فاز ۱۲ پارس جنوبی

نوشته جدید استاندار در اینستاگرام:

ادامه حمایت از تیم فوتبال پارس جنوبی جم و سایر تیم ها

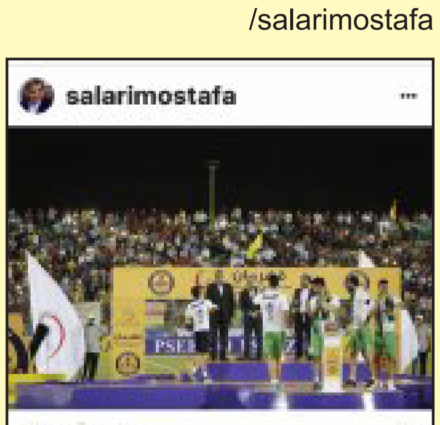
روز، دهم اردیبهشت نود و شش، روزی فرخنده برای فوتبال استان بوشهر بود و شاهد دو رخداد غرورآفرین بودیم.

هنگامی که در جشن صعود تیم پارس جنوبی جم بودیم، پیروزی تیم ایرانجوان بوشهر و ابقای آن در لیگ یک رقم خورد، همچنین استمرار حمایت نفت (منطقه ویژه پارس) از تیم پارس جنوبی جم قطعی شد. برای تامین امکانات مورد نیاز برگزاری بازیهای لیگ برتر تصمیم گیری شد و این تیم لیگ برتری که متعلق به مردم و جوانان جم است، با حمایت کامل و قاطع در جم خواهد ماند.

حمایت از ایرانجوان، امسال، بیشتر و به موقع تر خواهد بود با هدف راهیابی دومین تیم استان به لیگ برتر.

برای حمایت مالی از سایر تیم ها نظیر پرسپولیس گناوه، پرسپولیس برازجان و... و سایر رشته‌ها و هیئت های ورزشی نیز، برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا انشالله شاهد موفقیت بیشتر ورزش استان در سطح ملی و بین المللی باشیم.

صفحه اینستاگرام استاندار بوشهر؛
https://www.instagram.com/
/salarimostafa



احمدی‌نژادیسم قالیباف

نوشته‌ای هشداردهنده از نویسنده کتاب «پوپولیسم ایرانی»



علی سرزعیم: در بخش نتیجه گیری کتاب «پوپولیسم ایرانی» آورده ام که مسئله ایران احمدی نژاد نیست احمدی نژادیسم است و پیش‌بینی کرده ام که در آینده احمدی نژادهای دیگر با تیپ‌ها و ژست‌های دیگر ظهور خواهند کرد اما محتوای حرفهای آنها همه یکی است. برای خودم تعجب آور بود که این قدر سریع این پیش‌بینی محقق شد و برایم تأسف بار بود که قالیباف این نقش را پذیرفت. سخنان قالیباف بیش از آنکه خنده آور باشد تأسف آور است. تأسف از این جهت که لااقل امید داشتیم طراز جدیدی از سیاستمداران اصولگرا پرورش یافته باشند و کشور در عرصه سیاست به پیش برود. به عنوان مثال، گفتن اینکه در چهار سال درآمد ملی را «دو و نیم» برابر می کنم حرفی خیلی مضحک است و در مورد آن به اندازه کافی صحبت شد.

به نظر من حتی می‌شد آن گاف را بخشید چرا که سیاستمداران ما عموماً نکات بدیهی اقتصاد را نمی دانند و درک درستی از آمار و ارقام ندارند و قالیباف هم یکی از همین جماعت است. تا اینجای کار تا حدی قابل تحمل بود اما اینکه شخص بیاید دوباره روی آن تأکید و اصرار کند چیزی است که قابل گذشت نیست. متاسفانه این تصور در فرهنگ سیاسی ایران جا افتاده که سیاستمدار باید وقیح باشد و هیچ وقت به اشتباه خود اذعان نکند که هیچ بلکه آن را تکرار و تأیید نماید. اما این فرهنگ درستی نیست. سیاستمدار زمان ما باید به اشتباهش اعتراف کند و عذرخواهی نماید و جامعه ما باید به این بلوغ برسد که آن را یک عامل قوت ببیند نه یک ضعف. متاسفانه وقتی به آقای قالیباف می گویند که ایجاد رشد اقتصادی ۲۵ درصدی غیر ممکن است به جای اینکه بگوید با چه راهکار معجزه آمیزی می خواهد به چنین چیزی برسد می گوید که پشتوانه عملکرد وی نشان می دهد که اگر این کار شدنی نبوده وی ادعا نمی کرده است! این حرف یک فرار از پاسخ گویی است کما اینکه آقای احمدی نژاد هم در انتخابات سال ۱۳۸۴ پیوسته می گفت که برنامه هایی در ذهن دارم و برای همه چیز برنامه ای طراحی کرده ام. آقای قالیباف کافی است فقط به یک سوال پاسخ دهد که با کدام سرمایه می تواند رشد ۱۰ درصدی ایجاد کند (۲۵ درصد پیشکش)! آیا از پس انداز داخلی می شود این رشد را ایجاد کرد؟ آیا می خواهد از سرمایه گذاری خارجی استفاده کند؟ آیا او و دوستانش به الزامات آن پایبند هستند؟ کافی است لب باز کند تا اشکالات راه حل هایش آشکار شود. برای همین هم پیوسته از ارائه راه حل طفره می رود و تلاش می کند مردم را متقاعد کند که وی راه حل معجزه آسا در آستین دارد. مردم ما یک بار معجزه هزاره سوم را باور کردند و هنوز پیامد آن را به جان می خرند. به گمان من دیگر نیازی به معجزات و کرامتهای جدید نیست کافی است مثل بچه آدم راه دشوار توسعه را گام به گام بپیماییم و سودای جهش‌های معجزه آسا را کنار بگذاریم و دیگر روی سرنوشت کشور خود قمار نکنیم.

روی سخن من با خودمان است. بر سر سیاستمداران حرجی نیست که سودای مناصب عالی داشته باشند و برای این مقصود به هر راهی چنگ بزنند. ما باید چشمان خود را باز کنیم و مانع سلطه مجدد پوپولیسم شویم.

آدم‌ها فکر می‌کنند اگر یک بار دیگر متولد شوند، جور دیگری زندگی می‌کنند، شاد و خوشبخت و کم اشتباه خواهند بود. فکر می‌کنند می‌توانند همه‌چیز را از نو بسازند، محکم و بی‌نقص! اما این حقیقت ندارد؛ اگر ما جسارت طور دیگری زندگی کردن را داشتیم، اگر قدرت تغییر کردن را داشتیم، اگر آدمِ ساختن بودیم، از همین جای زندگی‌مان به بعد را می‌ساختیم.

(آنتوان دوسنت اگزوپری، نویسنده‌ی کتاب شازده کوچولو)